

Research Paper

Approach of the Islamic Penal Code to economic corruption in terms of form and content

Mohsen Eftekhari 

1- Lecturer, Department of Law, Ramsar Branch, Islamic Azad University, Ramsar, Iran.

Receive:

22 July 2024

Revise:

26 August 2024

Accept:

5 September 2024

Published online:

21 September 2024




Abstract

Economic corruption imposes huge costs on the society, and at the same time, due to their complex form, it is difficult to discover and pursue them. Therefore, a decisive criminal policy is required. This research aims to examine the criminal policy of the Iranian legislator in dealing with financial and economic corruption and with emphasis on the provisions of the new Islamic Penal Law approved in 2013, and has come to the conclusion that in the new Islamic Penal Law despite the use of The term "economic crimes" has not been given a specific definition for economic crime, and these crimes have not been counted, and in this sense, the law has not taken the first step in the decisive fight against economic corruption. However, according to the total of Articles 35, 47 and 109 of the new Islamic Penal Code, we can get limited examples of economic crimes, which include the crimes listed in the note of Article 36 and the crime of fraud. Also, in the new Islamic Penal Law, it is possible to classify economic crimes according to the Riyal amount of the crime and divide them into small, medium and large. Legislators in the fight against medium and large crimes by taking strict criminal measures in determining and implementing punishment, such as the requirement to publicize large economic criminals, the deprivation of medium and large economic criminals from postponing the issuance of sentences and suspending punishment, and depriving them of the privilege of review. During the prosecution and execution of the punishment, he has tried to emphasize the certainty and certainty of the execution of the punishment in order to prevent criminal economic crimes. However, solutions such as conditional release, the possibility of repentance in extreme crimes such as corruption in the world and private amnesty, which generally includes all crimes and criminals, have left openings for the certainty and certainty of the execution of punishments in economic crimes. It overshadows.

Keywords:

criminal policy,
economic crimes,
economic corruption,
certainty of execution
of punishment.

Please cite this article as (APA): Eftekhari, M. (2024). Approach of the Islamic Penal Code to economic corruption in terms of form and content. *Journal of Business law and economics*, (1) 1, 14-45.

Sponsored by: Institute of Somamos Publications	https://doi.org/10.22034/JBLE.2024.207948	
Corresponding Author: Mohsen Eftekhari	https://orcid.org/0009-0003-2840-7144	
Email: Mohsen.eftekhari@iauramsar.ac.ir	This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License .	



مقاله پژوهشی

رویکرد قانون مجازات اسلامی به فساد اقتصادی از حیث شکلی و محتوایی

محسن افتخاری ^{ID}

مدرس گروه حقوق، واحد رامسر، دانشگاه آزاد اسلامی، رامسر، ایران.

چکیده

مفاسد اقتصادی هزینه‌های هنگفتی را بر جامعه تحمیل می‌کند و در عین حال به لحاظ شکل پیچیده اغلب آنها کشف و تعقیب آنها دشوار است. لذا سیاست کیفری قاطعی را می‌طلبد. این تحقیق با هدف بررسی سیاست کیفری قانونگذار ایران در مقابله با مفاسد مالی و اقتصادی و با تأکید بر مقررات قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دست به یک مطالعه توصیفی تحلیلی زده است و به این نتیجه رسیده است که در قانون جدید مجازات اسلامی با وجود استفاده از اصطلاح "جرایم اقتصادی" تعریف مشخصی برای جرم اقتصادی ارائه نگردیده است و صراحتاً این جرایم احصا نشده‌اند و از این حیث قانون قدم نخست را در مبارزه قاطع با فساد اقتصادی به طور صحیح بر نداشته است. با این حال می‌توان با توجه به مجموع مواد ۳۵، ۴۷ و ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی جدید، مصادیق حصری جرایم اقتصادی را بدست آورد که شامل جرایم فهرست شده در تبصره ماده ۳۶ و جرم کلاهبرداری می‌شود. همچنان می‌توان در قانون جدید مجازات اسلامی قائل به یک نوع دسته بندی جرایم اقتصادی با توجه به میزان ریالی موضوع جرم بود و بر این اساس آنها را به خرد، متوسط و کلان تقسیم نمود. قانونگذار در مبارزه با جرایم متوسط و کلان با در پیش گرفتن تدابیر کیفری سخت‌گیرانه در تعیین و اجرای مجازات، مانند الزام به تشهیر مجرمین اقتصادی کلان، محرومیت مجرمین اقتصادی متوسط و کلان از تعویق صدور حکم و تعلیق مجازات و محرومیت از امتیاز شمول مرور زمان تعقیب و اجرای مجازات، تلاش نموده است تا بر حتمیت و قطعیت اجرای مجازات، به منظور پیشگیری کیفری از جرم اقتصادی تأکید نماید. با این حال راهکارهایی مانند آزادی مشروط، امکان توبه در جرایم حدی مانند افساد فی الارض و عفو خصوصی که به طور عموم شامل تمام جرایم و مجرمین می‌گردد، روزهایی را باز گذاشته است که حتمیت و قطعیت اجرای مجازات‌ها را در جرایم اقتصادی تحت الشعاع قرار می‌دهد.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۵/۰۱

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۳/۰۵/۰۲۸

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۶/۱۵

تاریخ انتشار آنلاین:

۱۴۰۳/۰۶/۳۱

کلید واژه‌ها:

سیاست کیفری، جرایم اقتصادی، فساد اقتصادی، قطعیت اجرای مجازات.

لطفاً به این مقاله استناد کنید (APA): افتخاری، محسن (۱۴۰۳). رویکرد قانون مجازات اسلامی به فساد اقتصادی از حیث شکلی و محتوایی. دانشنامه حقوق کسب و کار و اقتصاد، ۱(۱) ۱۴-۴۵.

	https://doi.org/10.22034/JBLE.2024.207948	تحت حمایت: موسسه انتشاراتی سماوس
	https://orcid.org/0009-0003-2840-7144	نویسنده مسئول: محسن افتخاری
	این مقاله تحت شرایط https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa قابل بازنشر است.	ایمیل: Mohsen.eftkhari@iauramsar.ac.ir



مقدمه

اقتصاد نبض تپنده و قدرت هر جامعه است به گونه‌ای که هر اجتماعی با تکیه بر پایه‌های نظام اقتصادی قدرتمند می‌تواند از لحاظ سیاسی مطرح و با ثبات بماند. مفسد اقتصادی که به جرایم یقه سفیدان نیز معروف است وقتی در سطح کلان وقوع می‌یابد همواره تهدیدی بسیار خطرناک برای مصالح اقتصاد عمومی تلقی می‌شود و ثبات و امنیت اقتصادی را خدشه‌دار می‌سازد و خسارات هنگفتی بر پیکره نظام اقتصادی وارد می‌آورد. جرایم و مفسداتی همچون رشوه، اختلاس، قاچاق کالا، جرایم پولی و بانکی، جعل اسکناس و اسناد تجاری، رانت خواری، پولشویی و غیره به اشکال متنوع و جدید روی می‌نماید و از آنجا که این گونه جرایم به سرعت با پیشرفت‌های فنی و صنعتی متحول و هماهنگ می‌گردند، لذا ضرورت حرکت قانونگذار کیفری را همگام با این تحولات برجسته‌تر می‌کند. قانون کیفری باید مفسد اقتصادی را بازشناسی نماید و ارکان و عناصر تشکیل دهنده آن را بار دیگر تعریف نماید. اغلب اشکال مفسد اداری و اقتصادی پدیده‌های نوظهور عصر ما هستند. از جمله مهمترین عوامل پیدایش آن پیشرفت صنعت، فناوری اطلاعات، روابط و مبادلات اقتصادی و دخالت گسترده دولت در اقتصاد می‌باشد. طرح مفهوم جرم اقتصادی حداقل از یک سده و اندی پیش مورد بحث بوده است. اگرچه در هر دوره بنا بر مقتضیات، مفهوم خاصی از آن برداشت شده است. جرم اقتصادی، در مفهوم کنونی، از زمان مطرح شدن اصطلاح «مجرم یقه سفید» توسط ساترلند، جرم‌شناس آمریکایی در سال ۱۹۳۹ مورد توجه قرار گرفت. با این حال رسیدن به یک تعریف واحد از جرم اقتصادی با مشکلاتی همراه بوده است. جرم اقتصادی به تعبیر ویتو تانزی، همچون فعلی است که می‌توان آن را فهمید، ولی نمی‌توان درک کرد.

در قانونگذاری‌های داخلی و بین‌المللی، جرم اقتصادی به صراحت تعریف نشده است. بلکه تنها به ذکر مصادیقی اکتفا شده که غالباً مورد توافق هستند. مانند پولشویی، جرایم سازمان یافته و فساد. بنابراین وجه و خصیصه بارز جرایم اقتصادی در نحوه سازماندهی یا شکل‌گیری این جرایم صورت می‌گیرد. سازمان یافتگی و کلان بودن این گونه جرایم به ویژه مورد توجه بیشتری است و حرفه‌ای‌گری مجرمانه در غالب آنها نمود و ظهور دارد که تلاش می‌کند خود را در لفافه قانون پنهان سازد. لذا برخورد حرفه‌ای قانونگذار جنایی را نیز می‌طلبد. در برخی کشورهای پیشرفته مطالعات در حوزه جرایم اقتصادی به شکلی جدی در نهادهای دانشگاهی پیگیری می‌شود و در تعاملی با نهادهای اجرایی و کارشناسان همواره خود را با تحولات اجتماعی و فنی هماهنگ می‌نمایند.

در قانون مجازات اسلامی سابق بابتی در خصوص جرایم اقتصادی به طور خاص اختصاص نیافته بود و چنین اصطلاحی نیز به رسمیت شناخته نشده بود اما قانونگذار ایران در قانون جدید مجازات اسلامی دسته بندی موسوم به «جرایم اقتصادی» را رسماً در ادبیات جزائی وارد نمود این جرایم که مصادیق آن در تبصره ماده ۳۵ قانون جدید آمده اغلب فعالیت‌های غیرقانونی را شامل می‌شود که توسط کارکنان دولت ارتکاب می‌یابند یا اینکه توسط افراد عادی ارتکاب می‌یابند ولی نظم اقتصادی را مختل نموده و اعتماد عمومی به فعالیت‌های دولت را دچار خدشه می‌سازند. سیاست جنایی باید یک رویکرد جامع و منسجم باشد و تنها به یک بعد برای مقابله با جرم و جنایت تمرکز ننماید. ظاهراً قانونگذار ایران در صدد است سیاست جنایی جامعی از این حیث تدارک ببیند که هم راهبرد پیشگیرانه غیر کیفری و هم کیفری را دنبال نماید.



۲- در شکل قانونگذاری

گاه برخی قوانین حتی با هدف مبارزه و مقابله با جرایم اقتصادی - خود منشأ تولید فساد اقتصادی‌اند. اهمیت قائل شدن قانونگذار به رعایت اصول صحیح قانون‌نویسی در زمان تصویب یک قانون و نیز توجه کارشناسانه به جنبه‌های عملی و پیامدهای آن می‌تواند از برخی سوء استفاده‌ها جلوگیری کند. در بحث جرایم اقتصادی ضابطه‌مند بودن، رسا بودن، فسادزا نبودن و در دسترس بودن قوانین و مقررات از اهمیت بالایی برخوردار است. بدین ترتیب باید دید آیا قوانین راجع به جرایم اقتصادی و به ویژه قانون جدید مجازات اسلامی شرایط شکلی قانونگذاری در این حوزه را رعایت نموده است؟

۲-۱- ضابطه‌مندی تقنین جرایم اقتصادی در قانون جدید مجازات اسلامی

ضابطه‌مند بودن به معنای مشخص بودن ضوابط و ملاک‌های تعیین و تشخیص جرم و در مانحن فیه جرم اقتصادی است. این گفتار به این مسأله می‌پردازد که عبارت جرایم اقتصادی در قانون جدید مجازات اسلامی بر اساس چه ضابطه‌ای تعیین شده است و ملاک تشخیص آن چیست؟ بعلاوه آیا این ضابطه را می‌توان در مورد قوانین خاصی که پیشتر در مورد جرایم پراکنده اقتصادی تصویب شده‌اند تطبیق داد و به طور خاص آیا قانون جدید ملاک و ضابطه‌ای برای تشخیص عبارات «کلان»، عمده و فراوان که در برخی قوانین خاص از جمله قانون مبارزه با اخلاگران نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹ ارائه داده است؟

۲-۱-۱- ضابطه تعیین جرم اقتصادی در قانون جدید

یکی از آفات موجود در واژگان شناسی، تحلیل ویژگی ذاتی اعمال مجرمانه است که با ابهامات زیادی روبرو است. جرم اقتصادی یکی از بدترین مثال‌هاست و یکی از منازعاتی که همواره پیرامون جرم اقتصادی وجود دارد تعریف آن است.^۱ در این حوزه شاهد هنجارها و معیارهای نامشخص، متعارض و قابل‌تغییری هستیم به طوری که می‌توان گفت همانگونه که اقتصاد به سرعت در حال جهانی شدن است جرایم اقتصادی نیز در حال تغییر و دگرگونی است و ویژگی اصلی جرایم اقتصادی تغییر سریعی است که در آن صورت می‌گیرد.^۲ در فصل اول اشاره کردیم که تعریف پیرامون جرم اقتصادی حول شاخصه‌های متعددی شکل گرفته است و تعریف واحدی دیده نمی‌شود اما قانونگذار باید در هر نظام حقوقی بر حسب اینکه حمایت از کدامیک از ارزشها را مورد توجه دارد، بر اساس یکی از این شاخصه‌ها اقدام به جرم‌انگاری کند:

۱- بر اساس ضرر و زیان وارده

۲- بر اساس میزان کمی ضرر و زیان وارده

۳- بر اساس شخصیت و موقعیت اقتصادی و اجتماعی مرتکب

۴- بر اساس هدف از ارتکاب جرم

۵- بر اساس موضوع جرم

در حقوق و رویه قضایی کشورهای مختلف جهان هر یک از این اهداف و تعاریف مورد توجه قرار گرفته است. که در تمام ضوابط ارائه شده ایراد ضرر غیرقانونی و نامشروع مالی به بزه دیده شرط تحقق جرم دانسته شده است. در یک تعریف جرم اقتصادی جرمی است که به منظور تحصیل سود در قالب انواع دیگری از مشاغل قانونی رخ می‌دهد. ممکن است شهروندان خصوصی،

^۱ عباس زادگان، س، فساد اداری، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۳، ص ۹

^۲ همان



بخش‌های تجاری و یا عمومی را متضرر کند. پس مطابق این تعریف، فرار مالیاتی و انواع متفاوتی از کلاهبرداری و اختلاس در شرکت‌های قانونی جرم خواهد بود.

ضوابط یاد شده بر اساس هدف از ارتکاب جرم (تحصیل سود) + ماهیت بزه‌دیده جرم (شخص حقیقی+شخص حقوقی اعم از خصوصی و عمومی)+ زمینه ارتکاب جرم (در قالب مشاغل قانونی) ارائه گردیده است.

در تعریف دیگری جرم اقتصادی به فعالیت‌های غیرقانونی اطلاق شده است که در حوزه تجارت و به منظور کسب منافع اقتصادی صورت می‌گیرد. این جرم معمولاً از طریق برشمردن مصادیقی مانند جرایم مالیاتی، جرایم علیه مقررات مالی، رشوه، کلاهبرداری، اختلاس و مانند آن شناسایی می‌شود.

تعریف یاد شده بر اساس زمینه ارتکاب جرم (در حوزه تجارت) + هدف از ارتکاب جرم (کسب منافع اقتصادی) ارائه شده است. در تعریف ساترلند از جرم اقتصادی که آن را جرم یقه سفیدان می‌نامد^۱ موقعیت اقتصادی و اجتماعی مرتکب جرم (فرد یقه سفید و متعلق به طبقه اجتماعی خاص) + زمینه ارتکاب جرم (حوزه شغلی و حرفه‌ای) مبنای تعریف قرار گرفته است.

در مواردی نیز تعریف جرم اقتصادی در قالب جرم سازمان یافته ارائه شده است که عناصر آن سازمان یافته بودن و انجام آن در قالب یک فعالیت اقتصادی منظم و به صورت گروهی است.

در تعاریف دیگری به تعداد بزه‌دیدگان یا مبلغ حاصل از موضوع جرم در ارائه دسته بندی برای آن توجه شده است. در چین قانونگذار جرایم اقتصادی را به سه دسته تقسیم نموده است. دسته اول شامل جرایم اختلاس، کلاهبرداری، و رباخواری است که مجازات آنها بستگی به تعداد بزه‌دیدگان یا مبلغ ضرر وارده دارد. دسته دوم شامل قاچاق، جرایم مالیاتی، جعل اسکناس، فروش دخانیات یا الکل بدون مجوز، نقض قانون کنترل مبادلات خارجی و جرایم بانکی است که اگر موضوع جرم بیش از دو میلیون دلار باشد مجرم اقتصادی قلمداد می‌گردند. دسته آخر از مجرمین اقتصادی آنها می‌باشند که به نقض قوانین اعلام تجاری، قانون اختراع و کپی رایت، نقض قانون مبادلات خارجی و تخلفات بیمه‌ای مبادرت نمایند. اینها نیز صرف نظر از تعداد بزه دیدگان و میزان ضرر وارده در زمره مجرمین اقتصادی‌اند که منافع اقتصاد محلی را به مخاطره انداخته‌اند.

در تعریف قانونگذار چین هدف از ارتکاب جرم (نقض مقررات تجاری) + زمینه ارتکاب جرم (حوزه تجاری) + میزان کمی زیان وارده یا تعداد بزه‌دیدگان ملاک قرار گرفته است.

حال باید دید در ایران قانونگذار جرایم اقتصادی را بر اساس چه ضابطه‌ای تعریف کرده است. قوانین و مقررات بسیار پراکنده و مختلفی به جرم اقتصادی پرداخته و آن را مورد تعریف قرار داده‌اند. در فصول اول و دوم در تعریف جرم اقتصادی و شناسایی مصادیق آن دیدیم که قانونگذار ایران عناوین مختلف و متفاوتی مانند مفسده اقتصادی (فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری)، فساد اقتصادی (قانون ارتقا سلامت نظام اداری)، جرم اقتصادی (قانون مجازات جدید) را در مورد آن به کار برده است. اما اگر آخرین اراده جزائی قانونگذار ایران (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) را در این خصوص ملاک عمل و تعریف قرار دهیم متوجه می‌شویم که قانونگذار تلاش کرده است تا جرایم اقتصادی را ضابطه‌مند سازد. اگر چه قانونگذار در قانون جدید نیز تعریفی از جرم اقتصادی ارائه نداده است اما از مفاد سه ماده ۳۶، ۴۷، و ۱۰۹ قانون جدید می‌توان دریافت قانونگذار ملاک خود را در تشخیص جرم اقتصادی بر سه محور هدف ارتکاب جرم (کسب منفعت مادی) + زمینه ارتکاب جرم (جرایمی که نظام اقتصادی را مختل یا اعتماد عمومی به فعالیت‌های دولت را خدشه‌دار می‌سازند) + میزان پولی موضوع جرم قرار داده است.

^۱ سلیمی، صادق، " مجرمین یقه سفید و سیاست کیفری ایران"، فصلنامه حقوق - مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸ شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷، ص ۲۴۱.



قانون جدید به هدف ارتکاب جرم به عنوان ضابطه نخست توجه نموده است. کسب منفعت اقتصادی هدف همه جرایم اقتصادی است که به نظر می‌رسد این جرایم در مواد ۳۶ و ۱۰۹ احصا شده‌اند. ضابطه دیگر زمینه ارتکاب جرم است. جرایم اقتصادی (به جز کلاهبرداری) جرایمی هستند که علیه حقوق مالی دولت ارتکاب می‌یابند به عبارت دیگر تنها در بزه کلاهبرداری که مطابق بند ب ماده ۱۰۹ قانون جدید مشمول جرایم اقتصادی دانسته شده است ممکن است شخص خصوصی، بزه دیده جرم باشد.

۲-۱-۲- دسته بندی جرایم اقتصادی

همانگونه که در بند پیشین آمد بر اساس ضابطه سوم قانون‌گذار تلویحاً اقدام به نوعی دسته‌بندی در جرایم اقتصادی بر اساس میزان پولی موضوع جرم نموده است. دسته‌بندی که بر اساس آن می‌توان گفت جرایم اقتصادی به خرد، متوسط و کلان تقسیم شده است که ملاک آنها میزان ریالی موضوع جرم است.

در این دسته بندی جرایم خرد اقتصادی جرایمی هستند که در آنها میزان موضوع جرم کمتر از یکصد میلیون ریال است و مشمول هیچ نوع سخت‌گیری در تعیین یا اجرای مجازات نگردیده‌اند و احکام مربوط به مجازات سایر جرایم عادی بر آنها بار است.

محکومین جرایم متوسط اقتصادی که میزان موضوع جرم در آنها بیش از یکصد میلیون ریال تا یک میلیارد ریال را در بر می‌گیرد. این دسته در بند ج ماده ۴۷ قانون جدید مجازات اسلامی مورد اشاره قرار گرفته است و مطابق قانون مجازات جدید تنها از امتیاز تعویق صدور حکم و تعلیق مجازات محرومند. ماده ۴۷ مقرر داشته: «صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست ... ج- جرائم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال». در اینجا سقف جرایم متوسط اقتصادی تعیین نگردیده است اما می‌توان از ملاکی که برای جرایم کلان تعیین شده فهمید که این سقف یک میلیارد ریال است.

جرایم کلان اقتصادی محکومین با میزان موضوع جرم بیش از یک میلیارد ریال را در بر می‌گیرد. محکومین جرایم اقتصادی با این میزان موضوع جرم از شمول مرور زمان کیفری جرایم موجب تعزیر در تعقیب، صدور و اجرای حکم مستثنی شده‌اند (ماده ۱۰۹ قانون جدید) ضمن اینکه چنین محکومانی باید تشهیر شوند (تبصره ماده ۳۶ قانون جدید).

لذا با توجه به رویکرد قانون جدید مجازات اسلامی باید گفت قانونگذار به جرایم اقتصادی متوسط و کلان حساسیت بیشتری نشان داده و محکومین آن را در کنار سایر جرایم شدید علیه اشخاص و اموال و امنیت ملی از برخی تسهیلات محروم نموده است و در عین حال تشهیر مجرمین کلان را به عنوان مجازاتی مضاعف بدان افزوده است. دسته بندی تلویحی جرایم اقتصادی بر اساس میزان ریالی موضوع جرم این امکان را پدید می‌آورد که قضات برای تشخیص جرم کلان از جرم غیر کلان یک ملاک در دست داشته باشند.

البته قانونگذار هیچگاه واژه‌های کلان یا متوسط یا خرد را در مورد جرایم اقتصادی به کار نبرده است و این دسته‌بندی از مواد سه گانه قانونی که مشخصاً به عنوان جرم اقتصادی انشاء شده اند چنین چیزی بر می‌آید.

۲-۱-۳- تطبیق ضابطه مذکور در قانون جدید بر قوانین خاص جرایم اقتصادی

اینکه آیا می‌توان از دسته‌بندی مذکور در بند پیش استفاده نموده و در مورد قوانین خاص که قانونگذار بدون به دست دادن ملاکی از لفظ عمده و کلان استفاده نموده بهره برد؟ پاسخ این پرسش موضوع این بند است.



ماده یک قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۶۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر داشته: «ارتکاب هر یک از اعمال مذکور در بندهای ذیل جرم محسوب می شود و مرتکب به مجازات های مقرر در این قانون محکوم می شود» و در بند الف به عنوان اولین مصداق اعمال مجرمانه موصوف «اخالل در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آنها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن جرم انگاری گردیده است.

در این بند قانونگذار به ذکر عبارات اصطلاحاتی پرداخته بدون این که متعرض معنی و مفهوم و حدود آن گردد و مورد انتقاد حقوقدانان قرار گرفته است. اخالل در نظام پولی یا ارزی کشور در قانون مشخص نیست که به چه مفهومی آمده و منظور از اخالل چیست.^۱ همچنین قاچاق عمده هیچگونه تعریف و معیاری نداشته و ملاکی برای تشخیص عمده از غیر عمده وجود ندارد.^۲ مضافاً این که در تبصره ماده ۱ نیز قانونگذار اختیار تعیین عمده و کلان را به قاضی رسیدگی کننده سپرده است که این خود موجب تفسیرهای چندگانه و گاهاً موسع و سلیقه ای می باشد، در حالیکه تفسیر قانون وظیفه مقنن است.^۳ این تبصره مقرر داشته است «قاضی ذی صلاح برای تشخیص عمده یا کلان و یا فراوان بودن موارد مذکور در هر یک از بندهای فوق الذکر علاوه بر ملحوظ نظر قرار دادن میزان خسارات وارده و مبالغ مورد سوء استفاده و آثار فساد دیگر مترتب بر آن می تواند حسب مورد، نظر مرجع ذی ربط را نیز جلب نماید»

همچنین در بند ۱ مورد بررسی به جرایم ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آنها اعم از داخلی یا خارجی اشاره شده است.

این در شرایطی است که قانونگذار میان مجازات جرایمی در این خصوص که عمده تلقی شوند با مواردی که عمده تلقی نشود تفاوت بسیار زیادی قائل شده است. با دقت در ماده واحده و بند الف ماده ۱ مشخص می شود که در ماده واحده جعل یا توزیع یا مصرف عامدانه اسکناس جعلی رایج داخلی به صورت باندی و یا به قصد مبارزه با نظام ، مجازات اعدام را در پی دارد.^۴ در بند الف ماده ۱ نیز جعل یا وارد یا توزیع نمودن اسکناس جعلی داخلی یا خارجی به صورت عمده و کلان حسب حکم ماده ۲ قانون موصوف در صورتی که به قصد ضربه زدن به نظام یا قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن در مقابله با نظام ارتکاب یابد چنان که در حدّ مفسد فی الارض باشد، مجازات اعدام دارد. صرف نظر از اینکه یک موضوع در دو قانون مورد حکم واقع شده است که این مسئله نیاز به بازنگری و اصلاح دارد بعلاوه در برخی جرایم اقتصادی مجازات مجرم در صورت تحقق شرایط افساد فی الارض اعدام در نظر گرفته شده است در این خصوص نیز ملاحظه می شود حکمی مبهم و در خور تفسیرهای متعدد انشاء شده است.

بند ب ماده ۱ قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور نیز اخالل در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گرانفروشی کلان ارزاق یا سایر نیازمندی های عمومی و احتکار عمده ارزاق یا نیازمندی های مزبور و پیش خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آنها به منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آن ها را جرم انگاری نموده است . مسئله اصلی در به دست آورده ملاکی برای تشخیص موضوع جرم عمده، کلان یا فراوان از غیر عمده ، غیر کلان و غیر فراوان است.

^۱ پیمانی، ضیاء الدین؛ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ پنجم ۱۳۸۰، انتشارات میزان، ص ۹۶ و ۹۷ و ۱۲۷ و ۱۲۸

^۲ آقازاده، علیرضا؛ پیشین، صص ۱۳ و ۱۴

^۳ اصل هفتاد و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

^۴ میر محمد صادقی، حسین؛ حقوق جزای بین الملل (مجموعه مقالات)، چاپ اول، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۷، صص ۲۴۰ و ۲۴۱



ملاحظه می‌شود در بیان مصادیق این جرایم در این مقررات عبارات مبهم که بدون ذکر تعریف و حدود و شرایط تحقق آنها بیان شده، به چشم می‌خورد، واژه‌های اخلال، کلان و... در این بند ایجاد اخلال و مشکل در امر توزیع مایحتاج عمومی که می‌توان آن را نیازمندی‌های عمومی و اولیه افراد جامعه دانست، از راه‌های متفاوت جرم‌انگاری شده و از باب تمثیل مصادیقی بیان شده است. گران فروشی کلان ارزاق و نیازمندی‌های عمومی و احتکار عمده ارزاق عمومی در قانون تعزیرات حکومتی و قوانین متفرقه دیگری نیز دارای وصف مجرمانه بوده و ضمانت اجرایی برای آن در نظر گرفته شده است. از جمله می‌توان به قانون تعزیرات حکومتی، قانون نظام صنفی کشور، قانون تشدید مجازات محترمان و گرانفروشان و... اشاره نمود. احتکار نیز در ادبیات حقوقی به جمع‌آوری کالاهای بازرگانی به قصد و انتظار نایابی و کمیابی و فروش به قیمت گران تعریف شده است.^۱ همچنین در ماده ۴ قانون تعزیرات حکومتی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، بزه احتکار به نگهداری کالا به صورت عمده با تشخیص مرجع ذی صلاح و امتناع از عرضه آن به قصد گران فروشی یا اضرار به جامعه پس از اعلام ضرورت عرضه توسط دولت تعریف شده است. در این تعریف، باز هم نگهداری کالا به صورت عمده دارای معیار خاصی نیست. همچنین پیش خرید فراوان محصولات کشاورزی که در قالب بیع سلف انجام می‌شود و سایر تولیدات مورد نیاز عمومی جامعه، در صورتی که به قصد ایجاد انحصار و یا کمبود در عرضه آنها صورت گیرد، مشمول این بند است. در این قسمت نیز واژه فراوان، مبهم و قابلیت تفسیرهای موردی و سلیقه‌ای بسیاری را دارد.

بند ج ماده ۱ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور نیز در بیان مصادیقی دیگر از جرایم موضوع این قانون اخلال در نظام تولیدی کشور از طریق سوء استفاده عمده از فروش غیر مجاز تجهیزات فنی و مواد اولیه در بازار آزاد یا تخلف از تعهدات مربوط در مورد آن و یا رشاء و ارتشاء عمده در امر تولید یا اخذ مجوزهای تولیدی در مواردی که موجب اختلال در سیاست‌های تولیدی کشور شود و امثال آنها» را مقرر نموده است.

قانونگذار در این بند از رشاء و ارتشاء عمده در امر تولید سخن به میان آورده است و این در حالیست که در قوانین ناظر به این جرایم مثل ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، اصل این جرایم جرم‌انگاری نشده‌اند و مصادیق و اعمال مورد نظر مقنن در حکم ارتشاء دانسته شده است. بنابر این چگونه می‌توان از جرمی که اصل آن در قوانین جزایی نیامده، در قانونی دیگر سخن گفت. همچنین با عنایت به این که سیاست جنایی قانونگذار ایرانی تنها بر جرم انگاری و مجازات ارتشاء دولتی متمرکز گردیده است، صرف نظر از اینها رشاء و ارتشاء عمده ملاکی برای تشخیص ندارد.

بعلاوه حسب تبصره ۱ ماده ۲ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور که در دی‌ماه ۱۳۸۴ اصلاح گردیده است، در مواردی که اخلال موضوع هریک از موارد مذکور در بندهای هفت گانه ماده ۱ عمده یا کلان یا فراوان نباشد، مرتکب حسب مورد علاوه بر رد مال به حبس از شش ماه تا سه سال و جزای نقدی معادل دو برابر اموالی که از طرق مذکور به دست آورده محکوم می‌شود. بند «ه» ماده ۱ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور نیز در بیان مصادیقی دیگر، وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی و حقوقی تحت عنوان مضاربه و نظایر آن که موجب حیف و میل اموال مردم یا اخلال در نظام اقتصادی شود را جرم انگاری نموده است. در این بند نیز وجوه کلان معیاری جهت تشخیص ندارد. علاوه بر اینکه حیف و میل اموال مردم و اخلال در نظام اقتصادی نیز مبهم و فاقد معیار تشخیص هستند که از منظر حقوقدانان مورد ایراد واقع شده و لزوم اصلاح آنها را گوشزد نموده‌اند.^۲

^۱ جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ **ترمینولوژی حقوق**، چاپ سیزدهم، کتابخانه گنج دانش، تهران ۱۳۸۲، ص ۱۵.

^۲ میر محمد صادقی، حسین؛ منبع پیشین، صص ۲۳۹ و ۲۴۰.



در تبصره ۱ ماده ۲ قانون موصوف، مجازات اعمال مندرج در ماده ۱ در صورتی که مورد عمده یا کلان یا فراوان نباشد، دو تا پنج سال حبس و ضبط کلیه اموالی که از طریق تخلف از قانون بدست آمده باشد، به عنوان جزای نقدی، تعیین شده بود. اینکه تشخیص موارد عمده یا کلان به تشخیص قاضی واگذار شده باشد به شدت با اصل قانونی بودن جرم و مجازات مغایر به نظر می‌رسد قانونگذار برای پوشش این ایراد در برخی موارد دست به دامن حکم کلی افساد فی الارض شده است اما عدم دست دادن ملاکی در مورد عبارات مذکور در نهایت موجب می‌شود عدالت جزائی و اصل تساوی افراد در برابر قانون تحت الشعاع قرار گیرد زیرا هر قاضی ممکن است ملاکی خاص برای عبارت مذکور در نظر داشته باشد و به نتیجه متفاوتی برسد. هر چند در مذاکرات مجلس شورای اسلامی در خصوص تصویب قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی عده‌ای متعرض این موضوع شده‌اند و شورای نگهبان نیز بر آن ایراد گرفته که این «کلان»، «عمده» یا «فراوان» ضابطه ندارد.^۱ اما در نهایت این عبارات اصلاح نگردیده‌اند.

^۱ «رئیس کمیسیون امور قضائی و حقوقی - اسدالله بیات»

نمایندگان محترم استحضار دارند که در جلساتی که داشتیم طرح مجازات اخلا لگران بعد از بحثها و جلسات مختلف به تصویب رسید و برای تصویب نهائی به شورای محترم نگهبان ارجاع شد. شورای محترم نگهبان نزدیک به ده یازده مورد اظهار نظر کرده بود و اشکال داشت که این ایرادات در جلسات مختلف کمیسیون قضائی با نمایندگان محترم شورای نگهبان مورد بحث واقع شد.

به طور کلی عرض می‌کنم که عمده‌ترین ایراد همان ایرادی بود که در جلسات علنی مجلس هم به تفصیل مورد جرح و ایراد واقع شده بود و آن قید «عمده بودن» عمده بودن گرانفروشی یا قید فراوان بودن یا قید کلان بودن و اینها بود. احتکار کلان، گرانفروشی عمده یا قاچاق ارز به طور عمده و از این قبیل... مجلس محترم در نظر دارند که روی این پیشنهادهای مختلفی در مجلس آمد که مطرح شد و نظرات مختلفی بود. یکی از عمده‌ترین ایرادات به مصوبه مجلس همین ایراد بود که نوشته بودند در بندهای (الف) و (ج) و (د) که ملاک جرم بودن عمل یا وصف «عمده» توصیف شده باید معیار عمده بودن در قانون مشخص گردد و لاقلاً ضوابطی برای آن گذاشته شود و ملاک مذکور در تبصره ۱ بخصوص با مشخص نبودن مرجع ذیربط ذکر شده در آن نمی‌تواند رافع ابهام باشد. ملاک عمده بودن در تبصره ۱ بیشتر تشخیص قاضی بود. یعنی این بیشتر به تشخیص استنباط به علم قاضی واگذار شده بود، و به این نکته توجه شده بوده که قاضی می‌تواند در عمده بودن یا نبودن جرم با اقدامی که عمل شده می‌تواند از کارشناسان اقتصادی هم بپرسد که آیا این قاچاق ارز یا این احتکار یا گرانفروشی عمده است یا نه؟ که با توجه به جمیع جهات عرف و سوق مسلمین و معیارها و موارد دیگر می‌تواند بگوید عمده است یا نیست.

شورای محترم نگهبان ایرادش این بود که این عمده بودن ضابطه ندارد و به قول فقها منضبط نیست، باید یک تعریفی از قضیه داد که منضبط باشد و چهارچوب عمده بودن احتکار یا قاچاق مشخص باشد.

برای رفع این اشکال که عرض کردم عمده‌ترین اشکال است و در چهار، پنج مورد به این مسأله ایراد شده کمیسیون با توافق نماینده محترم شورای نگهبان به این مسأله رسید که ما بگوئیم که «در حد افساد فی الارض» باشد. یعنی اگر احتکار عمده، گرانفروشی عمده و قاچاق ارز به طور عمده در حدی باشد که قاضی دادگاه به این نتیجه برسد که در حد افساد فی الارض است، آنجا مجازات اعدام است که حالا البته فقهای محترم و بزرگان این رشته می‌دانند که خود افساد فی الارض هم تعریف منضبط ندارد اما مثل اصطلاح اختلال در نظام است. اختلال در نظام در قانون اساسی آمده، دقیقاً تعریف نشده ولی کسی که با این مسأله مواجه می‌شود می‌داند اختلال در نظام یعنی چه، می‌داند نظم اقتصادی که می‌گوئیم به هم خورد یعنی چه؟ یک کارشناس اقتصادی این را می‌داند. یک قاضی دادگاه هم عرفاً در عرف قضائی می‌داند که افساد فی الارض حدودش چیست. (با توجه به جمیع موارد و مصادیقی که دارد) علیهذا این مورد به طور کلی در لایحه اصلاح شد.

همینطور در اصل لایحه ماده ۱ این بود:

ارتکاب هر یک از اعمال مذکور در بندهای ذیل جرم محسوب می‌شود و مرتکب به مجازاتهای مقرر در این قانون محکوم می‌شود: الف- اختلال در نظام پولی یا ارزی کشور از قبیل ضرب سکه

این را گفتند باشد. «از طریق...» یعنی از طرق مختلفی مرتکب افساد در ارض می‌شود (به اصطلاح) بعد در ماده‌ای که در لایحه منعکس شده همان حد مجازات را ذکر کرده به این صورت که مشکل قیود «عمده و فراوان و کلان» برطرف شده. هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده قبل... که انواع جرائم را می‌شماریم، مثل اختلال در نظم اقتصادی، اختلال در نظم تولیدی، اختلال در نظم پولی، تشکیل باند دادن مسائل شرکتهای مضاربه‌ای که اینها جرائمی که در اینجا عنوان شده و جعل شده در ماده دوم مجازاتش را بیان می‌کند ماده دوم این است؛ هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده قبل چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و در حد افساد فی الارض یا به قصد مقابله با این نظام و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام باشد مرتکب به اعدام محکوم می‌شود!



حال آیا می‌توان در این راستا از ملاک‌های تعیین شده در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بهره گرفت. در دسته‌بندی که از قانون جدید در بند پیشین ارائه شد گفتیم که به نظر می‌رسد ملاک جرم اقتصادی عمده در قانون جدید به صورت کمی تعیین شده است و لذا تبصره ماده ۳۵ قانون مذکور که انتشار عمومی حکم محکومیت مجرمین در برخی جرایمی را که موضوع آنها مال بوده و ارزش آنها یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار یا از طریق رسانه ملی را اجباری نموده است. از مبلغ تعیین شده در این ماده قانونی می‌توان ملاک «کلان» «عمده» و «فراوان» بودن که در مقررات مربوط به مبارزه با اخلاک‌گران اقتصادی آمده است و پیش از این انتقادات راجع به این عبارات بیان شد را دریافت. مثلاً عبارت کلان که در بند ب ماده ۱ قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور آمده را می‌توان با توجه به ملاک ارائه شده در این ماده قانونی ارزش مالی دانست که از طریق گرانفروشی یا «سوء استفاده عمده از فروش غیر مجاز تجهیزات فنی» بدست آمده است و بیش از یک میلیارد ریال باشد.

احصای مصادیق جرم اقتصادی که در تبصره ماده ۳۶ قانون جدید و بند ب ماده ۱۰۹ به عمل آمده و ملاکی کمی که در تشخیص جرایم اقتصادی کلان در نظر گرفته شده است به تدریج می‌تواند در اختصاص شعب ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی کلان نیز مورد عمل قرار گیرد.

۲-۲- صریح و فساد زا نبودن قانون

صراحت قانون و فساد زا نبودن آن مکمل یکدیگر هستند. قانون مبهم جای تفسیر را می‌گشاید و می‌تواند به فساد منجر شود. قانون کیفری که علیه جرایم اقتصادی وضع می‌شود باید دارای این خصوصیات باشد. در زیر هر یک از این موارد را بررسی می‌نماییم.

۲-۲-۱- صراحت قانون مجازات اسلامی

قانون بایستی به لحاظ عملی صریح، ساده و بدون ابهام وضع شود تا کارگذاران و مجریان به راحتی بتوانند آن را اجرا نمایند در عین حال قانون باید قابل اجرا باشد، اگر قانون به گونه‌ای وضع شود که مقبولیت و امکان اجرا در آن لحاظ نشود در این صورت

خلاصه نظر به اینکه قید «افساد فی الارض» آمده و این قید برای قاضی دادگاه منضبط هست شورا توافق کرد که همان کلمات عمده و اینها باشد اما حدودش افساد فی الارض باشد. یکی از عمده‌ترین اشکال همین اشکال بود.

نایب رئیس - یک تذکره شکلی هم داشتند که چون مجموعه ماده واحد بود، درست هم می‌گفتند که ما این را به صورت دو تا ماده آوردیم که یک ماده واحد سه صفحه‌ای که یک ماده دارد و این تقریباً یک تذکره شکلی است.

سید محمد اصغری - اگر اجازه بفرمائید این توضیحات کلی را من بدهم (نایب رئیس - بفرمائید).

اشکال دوم در بند (ب) بود که منظور از گرانفروشی کلان چیست که همان باز قید «کلان و عمده» بود و پرسیده بودند که مقدار کمی گرانفروشی هست یا مقدار کیفی آن که عرض کردم تمام قیود با همان مسأله محدود کردن به فساد فی الارض روشن می‌شود.

اشکال سوم، نوشته بودند در بند (ج) با منظور از رشاء و ارتشاء عمده در امر تولید معلوم نیست که قید (عمده) باز در آنجا هم منعکس است.

اشکال چهارم، بند (د) مشوش و نامفهوم بود که نوشته شده بود «قاچاق عمده ارز و آثار و موارث فرهنگی قاچاق محسوب»، این اشکال لفظی و شکلی بود که اصلاح شد اساساً قاچاق به ماده اول اضافه شد. یعنی «اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق ارز یا از طریق احتکار عمده» که این مسأله به

این صورت حل شد. مشروح مذاکرات مجلس در خصوص رسیدگی به طرح قانونی مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مجلس شورای اسلامی دوره ۳ جلسه ۲۸۶ تاریخ: ۰۲/۰۸/۱۳۶۹. نقل از سایت اینترنتی کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (تاریخ بازدید: ۱۳۹۲/۶/۱۰) در

دسترس در:

http://www.ical.ir/index.php?option=com_mashrooh&view=session&id=1451&page=25739&Itemid=38



وضع آن به منزله دعوت عمومی برای نقض آن است.^۱ قانونگذار علیه جرایم اقتصادی باید به گونه ای منجز و رسا باشد که اختیارات گزینشی در آن نباشد بانک جهانی در کشورهایی که اختیارات گزینشی زمینه سوء استفاده را فراهم می کند پیشنهاد داده است پارلمان قوانینی وضع کند ساده و قابل فهم بوده و برای قابلیت اجرا بحثی باقی نگذارد و جایی برای تفسیر نباشد. اما ملاحظه می شود این توصیه در مورد قوانین مرتبط با جرایم اقتصادی در ایران چندان صادق نیست پیشتر ایرادات ناشی از عدم صراحت قانون و ابهام در عبارات آن را در قوانین مختلف مانند قانون مبارزه با اخلاکاران نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و قوانین پراکنده دیگر دیدیم.

این موضوع در مورد قانون جدید مجازات اسلامی نیز صادق است و قانونگذار در این زمینه موفق عمل نکرده است. همان سه ماده قانون جدید که در آن به جرایم اقتصادی اشاره شده است (تبصره ماده ۳۵، ماده ۴۶ و ماده ۱۰۸) جای تفسیر و بحث را کاملاً باز گذاشته است. اینکه جرایم اقتصادی چه ملاکی دارد و مصادیق آن کدام است و آیا در این قانون احصا شده است یا خیر و اگر احصا شده است بر چه اساسی جرایمی مانند تحصیل مال از طریق نامشروع در زمره جرایم اقتصادی قلمداد نگردیده است و اگر احصا نشده است چگونه می توان مصادیق آن را از سایر جرایم علیه اموال یا امنیت اقتصادی کشور باید بازشناخت ابهامات مختلفی را به ذهن متبادر می کند.

۲-۲-۲- فساد زان نبودن قانون

برخی مقررات در زمینه جرایم اقتصادی از عارضه فسادآوری رنج می برند و خود می توانند زمینه فساد گردند. از جمله می توان به قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ اشاره نمود. ماده ۱۱ قانون مذکور در مقام بیان روش های انجام مناقصه معاملات را به سه دسته کوچک و بزرگ و متوسط تقسیم کرده است و در مقام تعریف معاملات کوچک گفته است: «در معاملات کوچک کاربرد از باید با توجه به کم و کیف موضوع معامله درباره بهای آن تحقیق کند و با رعایت صرفه و صلاح و اخذ فاکتور به تشخیص و مسئولیت خود معامله را با تأمین کیفیت به کمترین بهای ممکن انجام دهد» قید «به تشخیص و مسئولیت خود» به تنهایی می تواند زمینه فساد را مهیا گرداند. زیرا در این صورت کارمند می تواند یک معامله متوسط را به چندین معامله کوچک تقسیم نموده و با استفاده از این قید فسادآور و در تبانی با فروشنده نسبت به تهیه کالای ارزان و دریافت فاکتور گران اقدام نماید. در قانون مجازات اسلامی می توان این تفسیر را داشت که کلان بودن جرم اقتصادی با تعیین مبلغ مشخصی که موضوع جرم را تشکیل داده روشن و رسا تعیین شده است که از جمله جرایم اخلاکار در نظام اقتصادی را نیز می تواند در برمی گیرد. هر چند قانونگذار عبارت کلان یا عمده را در این قانون به کار نبرده است اما با توجه به مبلغ واحدی که در دو ماده قانونی (مواد ۳۵ و ۱۰۸) تعیین نموده و طی آن جرایم اقتصادی بالاتر از مبلغ یک میلیارد ریال را از برخی تسهیلات پیش بینی شده برای مجرمین عادی محروم نموده (شمول مرور زمان) و یا حکم به تشهیر محکومین آنها داده است نشانگر اینست که قانونگذار درصدد تعیین ملاکی برای تشخیص جرایم اقتصادی کلان بوده است. اما این موضوع صریح بیان نشده و جای تأویل دارد لذا خود مستمسکی برای فساد است.

قاضی می تواند با دست زدن به تفسیر جرمی را در عداد جرایم اقتصادی قلمداد نماید یا جرمی دیگر را از عداد آن خارج بداند.

^۱ علیمیری، مصطفی، بازرسی در آیین قانون، مجموعه مقالات نخستین همایش نظارت و بازرسی کل کشور، نشر سازمان بازرسی کل کشور، ۱۳۷۶، ص ۳۱۰



البته قانونگذار جدید تلاش نموده است تا با سلب اختیارات قضات در استفاده از راهکارهای معاف کننده یا کاهنده مجازات مثل تعویق در صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات، دست قضات را از این حیث ببندد و جلوی بخشی از فساد احتمالی در اجرای مجازات را بگیرد. اما با قائل شدن معاذیری مانند امکان توبه در جرایم حدی که می تواند مجرمین کلان اقتصادی که اتهام افساد فی الارض محاکمه می شوند به تخفیف مجازات امیدوار نماید. از آنجا که احراز توبه به تشخیص قاضی واگذار شده است می تواند راه را برای فساد بیشتر بگشاید. لذا گانده اعتقاد دارد هر جا دست قاضی در تعیین و اعمال مجازات مجرمین اقتصادی باز گذارده شود، یک در بر روی فساد احتمالی باز شده است. لذا دادن اختیار گسترده به قاضی و دستگاه قضایی برای مبارزه با فساد، خود فساد ایجاد خواهد کرد.

۳- رویکرد قانون مجازات جدید از حیث آگاهی از قانون و عدم تورم قوانین

منظور از تورم انباشتگی قوانین است اگرچه وجود قوانین کیفری برای جامعه یک ضرورت است اما افراط در این زمینه به یک معضلی علیه حقوق کیفری تبدیل می شود^۱ تجمع و کثرت قوانین موجب ناآگاهی افراد جامعه از مقررات کیفری، ابهام در قانون، دشواری در اجرای آن و نهایتاً ناکارآمدی مبارزه با جرایم می شود. در خصوص امور اداری و مالی و فعالیت های اقتصادی کشور کثرت قوانین و مقررات کیفری ممکن است موجب سوء استفاده کسانی شود که به راه های گریز از قانون مسلطند و یا از ناآگاهی افراد از حقوق خود سوء استفاده می کنند. اگر قرار است به موجب قانون منافی برای عموم (یا بخشی از جامعه) فراهم شود قانونگذاران باید تضمین نمایند که افراد ذی نفع از حقوق جدید خود، آگاه هستند تا به این وسیله امکان سوء استفاده از این منافع کاهش یابد. همچنین ساز و کارهای اقامه دعوی (هم در قوانین خاص، هم در قوانین عام) باید برای همگان در دسترس باشد. نمونه کلاسیک قانون ضد فساد را می توان در زمینه تأمین خدمات عمومی ذکر کرد.^۲

کثرت، تنوع و پراکندگی قوانین و مقررات جزائی در زمینه جرایم اقتصادی همچنین می تواند اقتدار و اختیار مجریان قانون را اعمال خودسرانه قوانین فراهم آورد و در سوی دیگر به جهت انبوهی قوانین سرگیجه آور افراد جامعه از حقوق خود آگاهی نمی یابند. در مقررات جزائی ایران که علیه جرایم به اصطلاح اقتصادی وضع شده است انبوهی قوانین و مقررات خود یک چالش جدی است. تنها در زمینه مبارزه با قاچاق کالا و ارز به عنوان یکی از مصادیق جرم اقتصادی و اخلال در نظام اقتصادی کشور می توان فهرستی از ده ها متن قانونی پراکنده را تهیه نمود.^۳ که طبعاً ممکن است به تعارض، تراکم و ابهام در قوانین منجر شود

^۱ حبیب زاده محمد، جعفر؛ نجفی ابرنآبادی، علی حسین و کیومرث کلانتری، "تورم کیفری، عوامل و پیامدها"، نشریه مدرس، دوره ۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۰ ص ۶۹

^۲ حبیب زاده، م؛ نجفی ابرنآبادی، علی حسین و کیومرث کلانتری، "تورم کیفری، عوامل و پیامدها"، نشریه مدرس، دوره ۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۰، ص ۱۲

^۳ در زمینه مقررات مربوط به قاچاق کالا و ارز میتوان متون قانونی زیر را فهرست نمود:

قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز

قانون تفسیر قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز

مصوبه مورخ ۱۳۸۱/۸/۱۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام تفسیر ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز

مصوبه مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۲۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره تفسیر ماده ۸ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲

آئین نامه اجرائی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز

دستورالعمل نحوه رسیدگی به پرونده های قاچاق کالا و ارز موضوع تبصره ۱ ماده ۴ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز قانون مجازات مرتکبین قاچاق



یا باب تفسیرهای متعدد را باز نماید. چنین قانونگذاری موجب بی حرمتی قانون می شود و این احساس در مردم ایجاد می شود که قانون بازیچه‌ای است که خیلی زود در معرض تغییر و تحول قرار می گیرد و به تدریج مردم کلیه قواعد تشکیلاتی و کاری جامعه را همسان و در یک تراز می بینند.

اخیراً قانونگذار به مسأله تورم قوانین کیفری در زمینه فساد و جرایم اقتصادی توجه نشان داده است و قانون ارتقا سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد مصوب ۱۳۹۰ مقرر نموده است تا از یک سو در جهت آگاهی عمومی از قوانین و مقررات کلیه مقررات دولتی و قوانین جزائی در یک پایگاه اینترنتی در دسترس عموم قرار گیرد^۱ و از سوی دیگر قوه قضائیه را ملزم نموده است تا با بازنگری در قوانین و مقررات جزائی قانونی منسجم و کارا در زمینه فساد اقتصادی تهیه نماید (ماده ۱۲).

لذا با توجه به اینکه مصادیق جرایم اقتصادی بسیار کثیر است قانونگذار همانند قانون ارتقا سلامت نظام اداری که در آن قانونگذار تلاش نموده است سیاست جنایی منسجمی علیه فساد اقتصادی اتخاذ کند شایسته است ضمن طراحی مقررات کیفری کارآمد، بازدارنده و منسجم در برابر جرایم اقتصادی به روند انسجام سیاست کیفری کشور در این زمینه کمک نماید و از انبوه بیشمار قوانین پراکنده در این باره بکاهد.

موادی از قانون امور گمرکی

موادی از آئین نامه اجرائی قانون امور گمرکی

موادی از قانون مالیات بر ارزش افزوده

موادی از قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۴/۸/۱۵

قانون تأسیس سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی

موادی از قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲

قانون راجع به جلوگیری از عمل قاچاق توسط وسایل نقلیه موتوری دریایی وسیله اداره مرزبانی مصوب ۹ آبان ماه ۱۳۳۶

موادی از قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب

قانون اصلاح تبصره (۱) ماده (۱۸۸) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و الحاق سه تبصره به آن

قانون شمول اجرا قانون نحوه اجرا اصل ۴۹ قانون اساسی در مورد ثروتهای ناشی از احتکار و گرانفروشی و قاچاق مصوب ۱۳۶۸

رأی وحدت رویه شماره ۶۸۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در خصوص بزه قاچاق

رأی وحدت رویه شماره ۲۲۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در خصوص موجه نبودن صدور رأی محکومیت به جریمه در صورت صدور قرار بازداشت

بدل از پرداخت جریمه بر طبق ماده (۱۰) قانون مجازات مرتکبین قاچاق

رأی وحدت رویه شماره ۸۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در خصوص مبدأ مهلت ده روزه تقدیم دادخواست براءت در مورد متهم به قاچاق که به علت

عدم پرداخت جریمه بازداشت و سپس جریمه را پرداخته است

رأی وحدت رویه شماره ۵۸۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در خصوص ممنوعیت تخفیف در محکوم به مالی مرتکبین جرائم قاچاق

رأی وحدت رویه شماره ۶۷۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در خصوص صلاحیت دادگاه عمومی در رسیدگی به پرونده های قاچاق

رأی وحدت رویه شماره ۲۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورد عدم تلقی قاچاق کالاها با اجازه مقامات محلی وارد شده اند.

^۱ بند الف ماده ۳ قانون ارتقا سلامت نظام اداری در این خصوص مقرر نموده است: «کلیه قوانین و مقررات اعم از تصویب نامه ها، دستورالعملها، بخشنامه ها، رویه ها، تصمیمات مرتبط با حقوق شهروندی نظیر فرآیندهای کاری و زمان بندی انجام کارها، استانداردها، معیار و شاخصهای مورد عمل، مأموریتها، شرح وظایف دستگاهها و واحدهای مربوط، همچنین مراحل مختلف اخذ مجوزها، موافقتهای اصولی، مفاسحاسبها، تسهیلات اعطائی، نقشه های تفصیلی شهرها و جداول میزان تراکم و سطح اشغال در پروانه های ساختمانی و محاسبات مربوط به مالیاتها، عوارض و حقوق دولت، مراحل مربوط به واردات و صادرات کالا را باید در دیدارگاههای الکترونیک به اطلاع عموم برسانند.

ایجاد دیدارگاههای الکترونیک مانع از بهره برداری روشهای مناسب دیگر برای اطلاع رسانی به هنگام و ضروری مراجعین نیست. الف - کلیه قوانین و مقررات اعم از تصویب نامه ها، دستورالعملها، بخشنامه ها، رویه ها، تصمیمات مرتبط با حقوق شهروندی نظیر فرآیندهای کاری و زمان بندی انجام کارها، استانداردها، معیار و شاخصهای مورد عمل، مأموریتها، شرح وظایف دستگاهها و واحدهای مربوط، همچنین مراحل مختلف اخذ مجوزها، موافقتهای اصولی، مفاسحاسبها، تسهیلات اعطائی، نقشه های تفصیلی شهرها و جداول میزان تراکم و سطح اشغال در پروانه های ساختمانی و محاسبات مربوط به مالیاتها، عوارض و حقوق دولت، مراحل مربوط به واردات و صادرات کالا را باید در دیدارگاههای الکترونیک به اطلاع عموم برسانند. ایجاد دیدارگاههای الکترونیک مانع از بهره برداری روشهای مناسب دیگر برای اطلاع رسانی به هنگام و ضروری مراجعین نیست.



۴- گفتمان محتوایی قانونگذار در پیشگیری از فساد اداری و اقتصادی

پیشگیری از جرایم اقتصادی پیش از هر چیز تابع درک موقعیت قانونی این جرایم در یک نظام سیاست جنایی از یک سو و امکان تحقق تدابیر پیشگیرانه نسبت به آنها از سوی دیگر است. در راستای پیشگیری از ارتکاب جرایم اقتصادی، حذف کامل رفتارهای مجرمانه غیرممکن است، اما هدف مقبول در این راستا می‌تواند کاهش نرخ جرم باشد که در مورد جرایم مذکور، این نرخ یا آستانه، مربوط به ثبات خود سیستم است.

پیشگیری از جرایم اقتصادی، با تأثیرگذاری بر وضعیت‌های جرم‌زا، از طریق اتخاذ تدابیر مناسب، مجرمین بالقوه را متقاعد می‌کند که هزینه ارتکاب جرم بیش از حد توان آنهاست. مشکل بودن کشف جرایم اقتصادی از یک سو و عدم دسترسی کافی به منابع کشف و تعقیب آنها و همراه بودن ارتکاب این جرایم با هزینه‌های هنگفت برای جامعه از سوی دیگر از دلایل افزایش تلاش‌های پیش‌گیرانه می‌باشد.

اخیراً در سیاست جنایی ایران متأثر از کنوانسیون سازمان ملل راجع به فساد (مریدا) تدابیری پیش‌بینی گردیده است که هم واجد وصف کیفری و هم غیر کیفری‌اند.

۴-۱- در محتوای قوانین کیفری

برای توجیه توسل به تدابیر کیفری لازم به ذکر است که «اخلاق معنوی و اجتماعی» که در محدوده پیشگیری اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد، با همه اهمیتی که دارد، برای پیشگیری از همه جرایم کافی نیست. اگر صرفاً به کارایی آن در مقابله با جرم اعتقاد داشته باشیم، لذا کسانی که اخلاقمند هستند، نباید مرتکب جرم شوند، در حالی که همواره چنین نیست. مدیر یک شرکت که مسائل اخلاقی را نیز رعایت می‌کند، مرتکب جرم مرتبط با شغل و تخصص خود می‌شود. مثلاً اسرار و اطلاعات نهان بورس را به طور غیرمجاز و با اعمال نفوذ بدست آورده و بدین ترتیب یک شبه مبالغ هنگفتی بدست می‌آورد و موجب خسارت به اشخاص می‌شود و به اقتصاد و اعتبار دولت خدشه وارد می‌کند.^۱ بنابراین به دنبال عدم تکافوی تدابیر پیشگیرانه اجتماعی، توسل به تدابیر پیشگیرانه کیفری امری ضروری و اجتناب ناپذیر می‌نماید. از سوی دیگر «هرچه پیش‌گیری اجتماعی در ایفای نقش آموزشی و تربیتی خود در زندگی اجتماعی فرد کوتاهی کند، قوانین کیفری باید در جهت جلوگیری از گذار از اندیشه به عمل مجرمانه فعال و بازدارنده باشد.»^۲

جدا از این در مورد مجرمین اقتصادی، با توجه به قدرت‌سازگاری با جامعه، اعتماد به نفس بالا و عدم تأثیر پیشگیری اجتماعی جهت جلوگیری از جرم، تدابیر کیفری در اولویت قرار می‌گیرد.^۳ بنابراین تدابیر کیفری باید هزینه ارتکاب جرم را بالا ببرد، مجازات‌های متناسب وضع کند، مجازات‌ها بازدارنده باشد، اهداف و ارزش‌های مورد حمایت قانونگذار را پوشش دهد.

۴-۱-۱- بالا بردن هزینه ارتکاب جرم و پاسخ کیفری متناسب

قانونگذار باید در تصویب یک قانون جزائی به گونه‌ای هزینه ارتکاب جرم را بالا ببرد که مرتکب احتمالی از همان ابتدا مضار آن را بر منافع ارتکاب جرم ترجیح دهد. در مقررات جزائی ایران بدو در قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس ارتشا و کلاهبرداری

^۱ نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۵، پیشین، ص ۵۵

^۲ گسن، ریموند؛ مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، چاپ اول، انتشارات مترجم، تهران، ۱۳۸۳، ص ۲۵۲.

^۳ دادخدایی، ل، "مفهوم جرم اقتصادی و تحولات آن"، نشریه تعالی حقوق، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۸۹، ص ۲۸۴.



برای پرداخت کننده رشوه تعیین مجازات نشده بود. اما با تصویب بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵ قانونگذار در ماده ۵۹۲ این قانون مجازات حبس از شش ماه تا دو سال را و یا تا ۷۴ ضربه شلاق را برای مرتکب این جرم تعیین نمود اما در راستای تشویق و ترغیب راشی به اعلام پرداخت رشوه راشی مضطر یا گزارش دهنده پرداخت را از مجازات معاف نمود. قانونگذار ایران در جهت بالا بردن هزینه ارتکاب جرم برای مرتکبین جرایم اقتصادی متوسل به تشدید و تنوع مجازات‌ها شده است. ضمن اینکه طی مقررات متعدد مانند قانون مبارزه با اخلاط‌گران نظام اقتصادی، قانون تشدید و قانون مجازات اسلامی تلاش کرده است تا مقررات شدیدی را برای مرتکبین تعیین نماید در عین حال طیف مجازات‌ها در این خصوص از تنوع بالایی برخوردار است تا بدین ترتیب مجرمین با خصوصیات روانی و اخلاقی مختلف را به سنجش سود و زیان ارتکاب بزه وادارد و هزینه‌های ارتکاب را از همه حیث افزایش دهد. برای مجرمین چنین جرایمی حسب مورد طیف وسیعی از انواع مجازات‌ها شامل مجازات‌های اعدام، سلب آزادی، مجازات‌های مالی (ضبط اموال حاصل از جرم، مصادره اموال، جزای نقدی)، شلاق، محرومیت‌های اجتماعی، تشهیر، محرومیت از فعالیت اقتصادی، انفصال دائم یا موقت از خدمات دولتی و غیره می‌گردد. اما باید توجه داشت که در بخش جرایم اقتصادی اعمالی جرم انگاری شده اند که در ذات و ماهیت خود کیفری نیستند. یکی از راه‌های تفکیک تخلفات کیفری و غیر کیفری، تفکیک بر اساس ماهیت و طبیعت ذاتی این اقدامات است. تناسب جرم با مجازات یکی از اصول حاکم بر مجازات هاست، آنچه در اینجا مد نظر ماست مربوط به حیطة وظیفه قانونگذاری است. یعنی قانونگذار کیفری باید در جرم انگاری جرایم اقتصادی مناسب واکنش را نشان دهد. تا در زمان اجرا و عمل از یکسو بازدارندگی و کارآمدی لازم را داشته باشد و در عین حال قضات به دلیل عدم تناسب جرم با مجازات از حکم به آن به انحاء مختلف سرباز نزنند. هر گاه مقصود از مجازات سودمند بودن آن باشد وظیفه قانونگذار است تا در هر مورد میزان کارایی مجازات را سنجیده و متناسب با رفتار مجرمانه و ضرر و زیانی که به نظم عمومی جامعه وارد آورده، عکس العمل جامعه را به صورت قوانین کیفری در آورد تصویب و اجرای منطقی مجازات‌ها و رعایت تناسب مجازات با جرم می‌تواند در تقلیل بزه کاری مؤثر باشد.^۱ قانونگذار در بند الف ماده ۱۱ قانون ارتقا سلامت نظام اداری قوه قضائیه را ملزم نموده است تا: «طرف یک سال ضمن بازنگری قوانین جزائی مرتبط با جرائم موضوع این قانون و بررسی خلأهای موجود، لایحه‌ای جامع با هدف پیشگیری مؤثر از وقوع جرم از طریق تناسب مجازات‌ها با جرائم، تدوین نماید و در اختیار دولت قرار دهد تا دولت با رعایت ترتیبات قانونی اقدام لازم را به عمل آورد.» اگر این لایحه شکلی نظام‌مند و متناسب آماده و به تصویب مجلس برسد می‌توان امیدوار بود که سیاست جنایی منسجم‌تری در مقابله با جرایم اقتصادی در نظام کیفری ایران شاهد باشیم.

۴-۱-۲- احراز منفعت و ارزش مورد حمایت قانون‌گذار

نظام اجتماعی بستر تعاملات میان افراد و گروه است که طرفین این روابط متقابل همواره خواهان حفظ برتری خود بر دیگری هستند. سیر طبیعی یک نظام اجتماعی بر مبنای تلاش برای مستولی شدن منافع فرد بر دیگران است و این تلاش طبیعی، مداخله هرگونه عامل ثالثی را برای نظم دادن آن منتفی می‌کند. اما با وارد شدن دولت در این معادله گاهی پیش می‌آید که دولت احساس می‌کند باید در تعاملات بین افراد و گروه‌ها نظارت داشته باشد و یا اینکه خود از طرفین ذینفع به شمار رود. بنابراین از ابزارهای حفظ نظم که به صورت انحصاری در اختیارش قرار دارد استفاده می‌کند. اما به دلیل محدود شدن آزادی‌ها و حقوق افراد، قانونگذار در وهله اول از تدابیر غیرکیفری استفاده می‌کند و حقوق کیفری را به عنوان آخرین راه حل به کار خواهد گرفت.

^۱ محمودی جانکی، فیروز، امنیت و نامنی از دیدگاه سیاست جنایی، نشریه دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۳۲.



بنابراین دولت باید در استفاده از حقوق کیفری به عنوان راه حلی برای رسیدن به ارزش های برتر اجتماعی، این ارزش ها را به وضوح مشخص کرده باشد و سپس اقدام به تعیین ضمانت اجرا برای ناقضان آن نماید. در نبود یک توجیه الزام آور در وضع قوانین کیفری همه مجازات ها ناقض حقوق افراد خواهد بود. محور و عقیده اصلی این نظریه آن است که جرم انگاری این دسته از رفتارها برای رسیدن به اهداف و ارزش های مورد حمایت دولت ضروری باشد و دقیقاً برای رسیدن به آن اهداف و ارزش ها طراحی شده باشد.^۱ در جرم انگاری اعمالی با عنوان جرم اقتصادی قانونگذار باید ابتدا مشخص کند که قصد حمایت از کدام یک از ارزش ها را دارد. آیا هدف وی حمایت از منافع دولت است یا حمایت از مالکیت فردی یا حفظ پایه های اقتصاد اسلامی و سپس بر اساس هدف مورد به جرم انگاری و تعیین مجازاتی بپردازد که وی مستقیماً به این هدف می رساند. قانونگذار در قوانین مقررات متعددی اقدام به جرم انگاری جرایم اقتصادی نموده است، اما آنچه که هیچگاه در صدد تعیین برنامده است تعیین معیار و شاخصی است که بر اساس آن تشخیص داده است که رفتاری خاص به عنوان رفتار مجرمانه در قانون گنجانیده شود. برای مثال شاخص اخلال در نظام اقتصادی کشور چیست که موجب می شود یک بار احتکار در زمره این قانون مجازات شود و یک بار دیگر در قانون منع احتکار و بار دیگر در قانون تعزیرات حکومتی آورده شود. تمامی رفتارهایی که در قوانین نامبرده بالا جرم انگاری شده اند به نوعی فعالیت های ناسالم اقتصادی هستند اما از نظر ماهیت، موضوع جرم، میزان ضرر زیان وارده، و شخصیت بزه دیده و مرتکب با یکدیگر تفاوت دارند. بنابراین قانونگذار باید در هر مورد با توجه به ویژگی های هر جرم اقدام به دسته بندی آن در گروه های جداگانه نماید. اقدام قانونگذار در جرم انگاری برخی اعمال تحت عنوان جرم اقتصادی بیشتر نوعی مهار موقتی بحران از طریق قهرآمیزترین و ساده ترین ابزار در دسترس بوده است. نگاهی به تاریخچه قوانین کیفری اقتصادی گویای این واقعیت است که قانونگذار در وضع این قوانین کاملاً متأثر از جریانات روز بوده است. اما این روند همچنان ادامه داشته و قانونگذار در تدوین این قوانین حتی نیم نگاهی به قوانین ماقبل خود نداشته است. برای مثال در جریان تصویب قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور یکی از موضوعات مورد اختلاف، تکراری بودن این مواد قانون بود اما در نهایت این ایراد مورد توجه قرار نگرفت. مهمترین علت وضع این قانون تنش ها و نوسانات اقتصادی و سیاسی حاکم بر آن دوره زمانی بود. زمان بازسازی پس از جنگ تحمیلی مشکلاتی که پس از زلزله رودبار پدید آمده بود، انحصار و احتکارهای عمده ای که در آن مقطع زمانی رخ داده بود و همچنین شیوع تأسیس شرکت های مضاربه ای که توانسته بودند با جمع کردن وجوه مردم به فعالیت ها و حرکاتی دست بزنند که دولت را در مضایقه قرار می داد.^۲

احراز منفعت و ارزش مورد حمایت قانون گذار در تعریف یک جرم و کشف اراده ی حقیقی قانون گذار از جرم انگاری، دارای اهمیت اساسی است. به عنوان مثال اگرچه موضوع سرقت و رشوه، مال و منفعت مالی است، اما به دلیل آن که ارزش مورد حمایت قانون گذار در سرقت، حمایت از مال یک فرد و در رشوه، حفظ اعتماد جامعه نسبت به دولت و کارمندان آن می باشد، هر یک از این جرایم را در دسته بندی جدا از دیگری قرار داده که دارای آثار و تبعاتی، از جمله دارای تفاوت در آیین رسیدگی یا شدت و ضعف در مبارزه یا پیشگیری است.^۳ مثال دیگر در حقوق کیفری ایران، اختلاس نسبت به اموال دولتی و خیانت در امانت نسبت به اموال غیر دولتی است. در حالی که نحوه ی عمل در هر دو، یکی است و آن عبارت است از سوءاستفاده از موقعیت امانی و دخل و تصرف در مال مورد امانت، اما ارزش مورد حمایت مقنن در اول به لحاظ دخالت مستخدم دولت و سوءاستفاده از اعتماد،

^۱ شمس ناتری، م و توسلی زاده ت، "پیشگیری وضعی از جرایم اقتصادی"، فصلنامه حقوقی مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۴، زمستان، ص ۵۸

^۲ روزنامه رسمی، ۱۳۶۹ ص ۲۸

^۳ ولیدی، محمد صالح؛ حقوق جزای اختصاصی، ج ۲، چاپ سوم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۲ ص ۴۴



دارای حساسیت و عکس العمل شدیدتری است. این موضوع است که به نظر می‌رسد به شدت از سوی قانونگذار در احصا جرم اقتصادی رعایت شده است به جز جرم کلاهبرداری تمامی ۱۳ مورد مصادیق جرم اقتصادی که قانونگذار در تبصره ماده ۳۶ قانون جدید مجازات احصا نموده است در زمره مجازات‌هایی است که علیه اموال دولتی و عمومی یا علیه نظام اقتصادی کشور ارتکا می‌یابد و اعتماد عمومی به دولت را دچار خدشه می‌کند.

لذا در جرم اقتصادی، ارزش و منفعت مورد حمایت، موجب تفریق جرایم اقتصادی از جرایم مالی است. ایراد گرفته شده است که با توجه به عدم تعریف جرم اقتصادی، احراز موضوع و ارزش مورد حمایت قانونگذار ممکن نیست.^۱

در پاسخ باید گفت جرم اقتصادی، واقعیت دنیای امروز است و برای اعمال سیاست جنایی مناسب و کارا در مقابل آن، قبل از هر چیز نیاز به شناسایی آن است. احراز منفعت یا ارزش مورد حمایت در جرم انگاری یک عمل، گاه مربوط است به «آنچه هست» که آن را از لحن قانون گذار، روح قانون، سابقه و شرایط تصویب یک ماده‌ی قانونی احراز می‌کنیم. البته در جرم انگاری، الزاماً نباید به دنبال یک ارزش باشیم که مقنن به دنبال حمایت از آن بوده است، مانند زمانی که قانونگذاری با تصویب یک قانون درصدد بیان توجه خود به یک موضوع در مقابل مخاطبان آن قانون بوده است، حالت دیگر آن است که ارزش مورد حمایت قانون گذار در زمان اجرای قانون، فاقد موضوعیت بوده، اهمیت خود را از دست داده و به صورت قانون متروک درآید. گاه احراز مصلحت و ارزش مورد حمایت، مربوط است به «آنچه باید باشد». بحث ما در مورد جرایم اقتصادی چنین است. با استفاده از زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و اقتصادی، سه موضوع را می‌توان به عنوان منفعت مورد حمایت در جرایم اقتصادی مورد توجه قرار داد:

۴-۱-۲-۱- حمایت از بزه‌دیده

امروزه حمایت از بزه دیده مورد توجه جرم‌شناسی و حقوق کیفری قرار گرفته است. بزه دیده، شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم، به آسیب بدنی، روانی، درد و رنج عاطفی، زیان مالی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده باشد. واژه‌ی بزه‌دیده، در بردارنده‌ی بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم است.^۲ کاسن^۳ بر اساس ضابطه‌ی «بزه‌دیده»، به تقسیم‌بندی انواع جرایم اقتصادی پرداخته و آنها را به شش دسته‌ی زیر تقسیم می‌نماید.^۴

۱- بزه‌دیدگان جرایمی که مرتکبان آن‌ها، سرمایه گذاران اقتصادی و شرکای وی هستند و عبارتند از سهامداران یک شرکت و ماموران وصول مالیات. گروه دیگر از این دسته، کسانی هستند که در هنگام انتقال سرمایه از یک سرمایه‌گذار اقتصادی به دیگری، ممکن است در اثر تقلب در انتقال سهامی که دارای ارزش یا بین یا اساساً بی ارزش است، متضرر شوند. بزه دیدگان این جرم را نیز سهامداران یا ماموران وصول مالیات تشکیل می‌دهند.

۲- اعمالی که موجب ورود ضرر به بستانکاران شرکت یا بنگاه اقتصادی می‌شود، مانند ورشکستگی، اعم از به تقصیر یا به تقلب. بزه‌دیدگان این جرم ممکن است ماموران وصول مالیات و بستانکاران یک شرکت، که شامل مستخدمان آن شرکت نیز می‌شود، باشند. این قسمت شامل تخلف سرمایه‌گذار از مقررات مربوط به پرداخت حقوق و دستمزد، همچنین سوء عملکرد وی در خصوص شرایط محیط کار از لحاظ ایمنی و بهداشت کار است و موجب در معرض خطر قرار گرفتن تمامیت جسمانی ایشان می‌گردد.

^۱ دادخدایی، ۱۳۸۹، ص ۵۷

^۲ ولیدی، م؛ حقوق جزای اختصاصی، ج ۲، چاپ سوم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۸۹، ص ۸۹

^۳ kasen

^۴ نقل از دادخدایی، ۱۳۸۹، ص ۶۰



۳- اعمالی که مصرف کنندگان کالا و خدمات از آنها متضرر می‌شوند و به دلیل غیر استاندارد بودن کالا و موارد دیگر، بزه‌دیده واقع می‌شوند.

۴- اعمالی که بزه دیدگان آن‌ها شامل رقابتی یک فعالیت اقتصادی می‌باشند. مانند تبلیغات علیه شرکت رقیب.

۵- اعمال مربوط به مقررات حمایت از محیط زیست در عرصه‌ی اقتصادی مانند آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های صنعتی.

۶- دسته‌ی آخر از بزه دیدگان، عبارت از سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی می‌باشند که در جرایم مربوط به انواع مختلف برداشتن کالا از مغازه، کلاهبرداری یا چک و کارت‌های اعتباری، کلاهبرداری مربوط به بیمه یا جرایم کامپیوتری متضرر می‌گردند.

۴-۱-۲-۲- توجه به موضوع جرم

قبل از هر چیز باید یادآوری کرد که «موضوع» جرم و «بزه‌دیده» از جرم، دو مبحث متفاوت هستند که برخی موارد بر یکدیگر منطبق می‌شوند. به عنوان مثال موضوع جرم قتل، همان بزه دیده است، اما در جرایم علیه اموال، موضوع جرم، «مال» است و «بزه دیده»، «مالک» یا متصرف آن می‌باشد. برخی جرم اقتصادی را از دیدگاه «موضوع» مورد بحث قرار داده‌اند.^۱ اگر به جرایم اقتصادی از بعد موضوع جرم نگاه کنیم، آن‌چه جرم اقتصادی را می‌سازد، موضوع آن خواهد بود. جرایم مربوط به بورس و اوراق بهادار، برخی موارد جرایم رایانه‌ای، تقلب در حساب‌های یک شرکت یا بنگاه تجاری، صنعتی یا مالی جرایمی هستند که به اعتباری، تعرض به موضوعات آنها از قبیل بورس و اوراق بهادار، رایانه و سیستم‌های حسابداری جرم اقتصادی محسوب می‌گردد. عده‌ای که جرم تجاری را با جرم اقتصادی مترادف می‌دانند، جرم تجاری را هنگامی محقق می‌دانند که «تجارت»، موضوع یک رفتار مجرمانه‌ی اساسی قرار گیرد. به عنوان مثال، به «معامله‌ی محرمانه ۱» اشاره شده است.^۲

معامله‌ی محرمانه، هنگامی است که اعضای داخلی یک شرکت از جمله مدیران، بازرسان و حسابداران آن، با استفاده از اطلاعات پنهانی مربوط به آن شرکت، به نفع خود معامله می‌کنند در حالی که برای دیگران امکان دسترسی یا استفاده‌ی آن اطلاعات وجود ندارد. نکته‌ی قابل توجه این که صاحب‌نظران در خصوص جرم بودن معامله‌ی محرمانه، اتفاق نظر ندارند.

عده‌ای بر این عقیده‌اند که معامله‌ی محرمانه، پاداشی برای زحمات مدیران در یک شرکت است که در آنها انگیزه‌ی تلاش بیشتر را ایجاد می‌کند. بنابراین، جرم انگاری معامله‌ی محرمانه نه تنها زحمات مدیران را نادیده می‌گیرد، بلکه انگیزه‌ی آن‌ها را در انجام امور کاهش می‌دهد. عده‌ای دیگر پیش‌بینی چنین امتیازی را برای مدیران عادلانه نمی‌دانند؛ زیرا، به ایجاد موقعیتی نابرابر میان مدیران شرکت و سایرین در استفاده از اطلاعات داخلی می‌انجامد.^۳ راه حل میانه‌ای که برخی مطرح نموده‌اند، این است که باید میان معاملات کلان و معاملات جزئی، قائل به تفکیک شد و تنها معاملات محرمانه در سطح مهم و کلان را قابل مجازات دانست. در حقوق ایران، به موجب بند ۲ ماده‌ی ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۴ معاملات محرمانه، واجد وصف مجرمانه است؛ به گونه‌ای که مرتکبان به حبس تعزیری از سه ماه تا یک سال، یا به جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سود به دست آمده، یا زیان متحمل نشده یا هر دو مجازات محکوم خواهند شد. هم چنین به موجب تبصره‌ی ۱ همان ماده، اشخاص زیر به عنوان اشخاص دارای اطلاعات نهانی شرکت شناخته می‌شوند:

الف) مدیران شرکت شامل اعضای هیأت مدیره، مدیر عامل و معاونان؛

^۱ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴ ص ۱۹

^۲ دادخدایی، ۱۳۸۹، پیشین، ص ۵۱.

^۳ دادخدایی، پیشین، ص ۵۱.



(ب) بازرسان، مشاوران، حسابرسان، حسابداران و وکلای شرکت؛
(ج) سهامدارانی که به تنهایی یا به هم راه افراد تحت تکفل خود بیش از ده درصد سهام شرکت را در اختیار دارند یا نمایندگان آنان؛
(د) مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره و مدیران مربوط یا نمایندگان شرکت های مادر (هلدینگ) که مالک حداقل ده درصد سهام یا دارای حداقل یک عضو در هیأت مدیره شرکت سرمایه پذیر باشند؛
(ه) سایر اشخاصی که با توجه به وظایف، اختیارات، یا موقعیت خود، به اطلاعات نهانی دسترسی دارند. تعریف جرم اقتصادی بر مبنای موضوع آن، بدون در نظر گرفتن و توجه به سایر عوامل، تعریفی جامع و دقیق نخواهد بود؛ زیرا، جرم اقتصادی همیشه بر پایه ی موضوع آن قابل تعریف نیست و گاه عامل وسیله، بزه دیده یا عوامل دیگری در این میان نقش اساسی خواهند داشت.

۴-۱-۲-۳- حمایت از نظم و مدیریت اقتصادی

آخرین ضابطه در جرایم اقتصادی عبارت است از حفظ نظم در مدیریت و فعالیت های اقتصادی جامعه. دولت (در مفهوم عام خود) برای نظام بخشیدن به امر تولید و توزیع کالا و خدمات، حمایت از مصرف کننده، قیمت گذاری، حمایت از تولیدکننده، بورس و اوراق بهادار، ایجاد رقابت مشروع، صادرات و واردات، حفظ محیط زیست، حفاظت و ایمنی کالا و خلاصه هر آن چه لازمه ی وجود یک اقتصاد سالم در کشور است، ناچار به تنظیم نظامات، مقررات و قواعدی است که عدم رعایت آن ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم، آنی یا در طول زمان، موجب ورود لطمه به نظم اقتصادی و اخلال در آن می شود.
در این فرض، لازم نیست مرتکب یا موضوع بزه دیده ی جرم، الزاماً شرکت یا یک بنگاه تجاری، صنعتی و مالی باشد. یک فروشنده ی دوره گرد هم می تواند مرتکب جرم اقتصادی شود؛ زیرا وی نیز در محدوده ی فعالیت اقتصادی خود مکلف به رعایت پاره ای مقررات است که نقض و عدم رعایت و در یک نظم اقتصادی ایجاد خلل می نماید. عدم رعایت و نقض این قوانین و مقررات در سطح کلان، موجب ضربه به اقتصاد ملی خواهد شد. در حال حاضر نیز نظارت دولت در یک سطح معقول، برای حفظ نظم اقتصادی را ضروری دانسته اند.^۱ در ایران، ضربه زندگان به اقتصاد ملی، یا به عبارت دیگر اقتصاد کلان جامعه، دارای مجازات های سنگین و تحت شرایطی تا حد اعدام می باشند. به عنوان مثال مطابق ماده ی ۵۲۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، جعل هرگونه اسکناس رایج داخلی یا خارجی، اسناد بانکی یا اوراق بهادار صادره از بانکها و خزانه، در صورتی که به قصد اخلال در وضع پولی یا بانکی و یا اقتصادی باشد و نیز ورود اسناد مجعول فوق به کشور با علم به مجعول بودن آن ها، در حالت عادی مستوجب مجازات تا بیست سال حبس و در صورت وجود کیفیات مشدده، مجازات اعدام است. همچنین قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹، با بیان مصادیق اخلال در نظام اقتصادی، رسیدگی به آنها را در صلاحیت دادگاهی اختصاصی قرار داده است؛ این دادگاه مکلف است فوراً و خارج از نوبت به موضوع رسیدگی کند. مطابق تبصره ی ۵ ماده ی ۲ این قانون، هیچ یک از مجازات های مقرر در این قانون قابل تعلیق، تخفیف و یا تعطیل نمی باشد. با این که در نظام حقوقی ایران، شرط مسؤولیت معاون، تحقق فعل مجرمانه ی اصلی است و لذا ترک فعل را شامل نمی شود، به موجب تبصره ی ۲ ماده ی ۲ مذکور، شخصی که با سکوت خود و عدم گزارش مراتب به مقامات، موجب تسهیل در ارتکاب جرم گردد، معاون جرم محسوب می شود.

^۱ همان ص ۵۳.



از جمله دلایل شدت عمل قانونگذار در این قانون، شرایط حاکم بر اقتصاد کشور پس از دوران جنگ، تحریم ها و دولتی بودن اقتصاد ایران است. خصوصاً در یک دهه‌ی اخیر، توجه جدی مدیران کشور به سمت جرایم اقتصادی، فساد و طرق کنترل و مبارزه با آن معطوف شده است که از جمله نتایج آن، می‌توان به تصویب قوانین و مقررات و بخش‌نامه‌هایی در این زمینه و تشکیل مجتمع قضایی رسیدگی به جرایم اقتصادی اشاره کرد و این در حالی است که در نظام حقوقی ایران، جرم اقتصادی تعریف نشده است.

۴-۱-۳- استفاده از مجازات‌های هرمی

قانونگذار ضمانت اجرای کیفری را به عنوان تنها ضمانت اجرای موجود در زمینه جرایم اقتصادی به کار برده است و ضمانت اجرای تدریجی (هرمی) در این قوانین جایگاه محدودی دارد. تنها شیوه تعیین ضمانت اجرای مرحله‌ای در این قوانین حالتی است که اگر اقدام فرد مرتکب، به قصد براندازی حکومت و مقابله با نظام باشد، مجازات فرد مجازات مرتکب خواهد بود. برای مثال قانونگذار در ماده ۱ قانون مجازات اخلاگران اقتصادی مصوب ۱۳۶۸ آمده است: «هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به موثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می‌شود و در هر دو صورت دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد حکم خواهد داد.» نظیر این حکم در ماده ۵۲۶ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ نیز آمده است.

ضمانت اجرای هرمی باید مجموعه‌ای از ضمانت اجرای مدنی- کیفری باشد. تفاوت‌های بسیاری میان فرایندهای کیفری و مدنی وجود دارد که این تفاوت‌ها هم در خود فرایند و هم در نتایجی است که به دنبال دارد. شاید مهم‌ترین تفاوت بین آن دو، نتایج حاصله از محکومیت کیفر جزایی است. نتیجه یک محکومیت جزایی برای افراد بسیار شدیدتر از شرکت‌ها است نه تنها به این دلیل که مجازات حبس در خصوص شرکت‌ها قابل اجرا نیست بلکه به دلیل نتایجی است که حکم محکومیت کیفری از خود به جا می‌گذارد، مانند محرومیت از حقوق اجتماعی نظیر تصدی مدیریت شرکت، به علاوه رسوایی ناشی از محرومیت کیفری برای افراد سنگین تر است. ضمانت اجرای کیفری به تشریفات طولانی و پیچیده برای محکوم کردن افراد نیاز دارند و میزان کمتری از ضرر و زیان را جبران خواهند کرد. فیس در الگویی که پیشنهاد می‌دهد ضمانت‌های مدنی و کیفری هر دو را مجاز می‌شمرد، اما حقوق کیفری را تنها برای جرایم شدیدتر تجویز می‌کند. و پیشنهاد می‌دهد که بیشتر از کنترل‌های درونی شرکت یا سازمان استفاده شود.

در ایران تنها موردی که طی آن شاهد ضمانت اجرای هرمی هستیم قانون تعزیرات حکومتی است. در این قانون برای انواع تخلفات اقتصادی قانونگذار دست کم چهار مرحله ضمانت اجرا در نظر گرفته است و در هر مرحله با تکرار جرم و افزایش میزان خطرناکی بزهکار اقدام به تشدید مجازات به نسبت جرم ارتكابی نموده است و برای مثال در خصوص جرم احتکار این حرم به شکل زیر است:

در مرتبه اول- الزام به فروش کالا و اخذ جریمه معادل ۱۰ درصد ارزش کالا

در مرتبه دوم: فروش کالا توسط دولت و اخذ جریمه از ۲۰ تا ۱۰۰ درصد ارزش کالا

در مرتبه سوم: فروش کالا توسط دولت، اخذ جریمه از یک تا سه برابر ارزش کالا، قطع تمام یا قسمتی از سهمیه و خدمات دولتی تا شش ماه و نصب پارچه در محل واحد به عنوان محتکر.



در مرتبه چهارم - مجازات مرحله سوم + لغو پروانه واحد و معرفی از طریق رسانه های گروهی به عنوان محکوم. مزیت این شکل از ضمانت اجرا، امکان متناسب ساختن مجازات در هر مرحله از فعالیت بزهکارانه و از این طریق افزایش کارایی ضمانت اجراهاست.

قانون جدید مجازات اسلامی در خصوص جرایم اقتصادی هر چند ضمانت های اجرایی متنوعی در نظر گرفته و از تشهیر آنها از طریق نشر در روزنامه کثیرالانتشار (تبصره ماده ۳۶) گرفته تا محرومیت از تسهیلات مقرر در قانون برای مجرمین عادی (محرومیت از تعلیق و تعویق و مرور زمان) را در نظر رگفته است اما از تعیین ضمانت اجرای هر می در قانون جدید مجازات های اسلامی و قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ خودداری شده است.

در قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ نیز مجازات های مقرر به صورت هر می تعیین نشده است. تنها در یک مورد تکرار جرم مستوجب تشدید مجازات دانسته شده است (بند ۲-۳ از شق ب ماده ۵).

۴-۱-۴- بازدارنده بودن مجازات ها

یکی از ساز و کارهای پیشگیری اقدام از طریق کاهش موقعیتهای جرم زا و شرایط ارتکاب جرم می باشد. در این فرایند توجه به شرایط و امکانات ادارات و سازمان های دولتی بسیار مثر ثمر خواهد بود. قطعاً در جایی که نظارت دقیق و وجود حسابرسان و بازرسان مسلط و مجرب در سازمان های دولتی و اداری که به امر نظارت در امور مالی نهاد مربوطه می پردازند، وجود دارد و این نظارت نیز به اطلاع و آگاهی کارمندان رسیده است، یقیناً کارمندانی که تمایلات بالقوه ای نیز در زمینه ارتکاب جرایم مالی نظیر ارتشاء و اختلاس دارند، با درک موقعیت و دانستن این امر که با کوچک ترین تخلفی دست آنها رو خواهد شد و مجازات های سنگین و از دست دادن شغل و موقعیت در انتظار آن هاست، سراغ ارتکاب جرم نخواهند رفت. بدین ترتیب با کمترین هزینه ها، به گوشه ای از نتایج مطلوب و دلخواه خواهیم رسید. آگاهی دادن به عموم مردم^۱ و شناساندن امکان ارتکاب جرایم اقتصادی و فساد مالی در موقعیتهای مختلف جرم زا نیز می تواند از طرق بالا رفتن سطح اطلاعات عمومی نوعی مبارزه غیرمستقیم و مؤثر با عوامل جرم زا محسوب گردد.

یکی دیگر از بحث هایی که از نظر جرم شناختی تأثیرات غیرقابل انکاری در پیشگیری از وقوع جرایم دارد، افزایش هزینه های ارتکاب جرم برای مجرمین است. بدین توضیح که با عنایت به این که مجرم انسانی متفکر و حسابگر می باشد و بنابر اصل حسابگری جزایی بنتنام، قبل از ارتکاب جرم تمامی زمینه های مثبت و منفی و منافع و خطرات ارتکاب جرم را می سنجد^۲ و علی-الخصوص در جرایم اقتصادی که انگیزه های مالی محرک و مشوق اصلی مرتکب می باشد، می توان از طریق وضع مجازات های سنگین مالی و غیرمالی نظیر جزای نقدی، مصادره و ضبط اموال بی ش از عواید احتمالی ارتکاب جرم و حبس های طولانی مدت که توان فعالیت مجرمانه را از شخص می گیرد، به برخورد با این گونه جرایم برخاست تا شخصی که تمایلات بالقوه ارتکاب چنین جرایمی را دارد با سنجیدن خطرات و منافع جرم و رسیدن به این نتیجه که خطرات ارتکاب جرم چه از نظر امکان بالای دستگیری و یا مجازات های سنگین، بیش از احتمال ارتکاب موفقیت آمیز و دستیابی به عواید حاصل از جرم است، از ارتکاب آن منصرف گردد. تأمین نیامندی های عمومی افراد جامعه و تأمین شغل و مبارزه با بیکاری و فقر نیز می تواند از وقوع جرایم اقتصادی جلوگیری نماید. زیرا درجایی که شخص در رفاه نسبی قرار دارد و نیازهای عمومی وی برطرف شده است،

^۱ ماده ۶ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مالی مصوب ۲۰۰۳ مرید.

^۲ پرادل، ژان؛ تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، صص ۶۱ و ۶۲



معمولاً کمتر سراغ جرایمی نظیر ارتشاء، اختلاس و... می رود. در وضع قوانین نیز توجه به فرهنگ و آداب و رسوم جامعه و سطح درآمد افراد بسیار مهم و مؤثر در کاهش ارتکاب جرایم است. به عنوان مثال در جامعه‌ای که از سطح درآمد پایینی برخوردار است و رونق اقتصادی حاکم نیست، طبیعتاً وضع قانونی که مالیات را افزایش دهد، خود موجب افزایش ارتکاب جرایم مالیاتی که گونه‌ای از جرایم اقتصادی به شمار می‌رود، می‌شود.

در بحث تطبیق یا عدم تطبیق قوانین ایران با یافته‌های جرم‌شناسی نیز لازم به ذکر است که با بررسی قوانین تعزیری پس از انقلاب ملاحظه می‌گردد در عمل با توجه به پیشرفت‌های جرم‌شناسی در دهه‌های اخیر و توسعه آن در کشور ما در مقایسه با قبل از انقلاب، آنچه مورد انتظار حقوقدانان بوده تحقق نیافته است.^۱

بنابراین در یک اظهار نظر کلی باید اذعان نمود که جایگاه جرم‌شناسی پیشگیری به عنوان یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی کاربردی (با هدف شناخت علل جرم و از بین بردن زمینه‌های بروز آن) در سیاست جنایی کشور ما مبهم بوده و تمایل به حقوق کیفری (سیاست کیفری) به جای سیاست پیشگیری، از مشخصه‌های قانون‌گذار ایران است. بنابراین پیشگیری به عنوان یک اصل فراموش شده تاکنون ظهور و بروز جدی در قوانین نداشته و سازمانی رسمی یا غیر رسمی متکفل آن نشده است. گرچه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با قرار دادن وظیفه پیشگیری به عهده قوه قضائیه در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی بارقه‌امیدی را جهت احیای این اصل کاربردی جرم‌شناسی ایجاد کرد، اما عملاً تلاش جدی در زمینه پیشگیری وضعی از جرایم اقتصادی تنها در قانون ارتقا سلامت نظام اداری به ثمر نشست و نه در زمینه تعیین مجازات‌های بازدارنده پراکندگی قوانین و عدم انسجام مقررات کیفری یک چالش عمده است. لذا همانطور که مورد انتقاد قرار گرفته است^۲ تلاشی در این جهت دیده نشده است و عملاً سیاست جنایی منسجم و اصولی در این باب ملاحظه نمی‌گردد.

۴-۱-۵- حتمیت و قطعیت مجازات

از دید رویکرد بازدارندگی مجازات، آنچه ضامن نقش پیشگیرانه‌ی کیفرهاست، حتمیت و قطعیت یا به عبارتی اطمینان جامعه از اجرای مجازات‌هاست، یعنی باور به این مطلب که احساس ترس از ارتکاب جرم را می‌توان با حتمی جلوه دادن مجازات، بیش از برپا کردن نمایش‌های مخوف ولی زودگذر در اذهان مردم برانگیخت.^۳ به طوری که بکاریا با پیروی از اندیشه مونتسکیو در روح-القوانین می‌نویسد: «این شدت کیفر نیست که از جرم پیشگیری می‌کند، بلکه حتمی و قطعی بودن مجازات است که می‌تواند از جرم‌های آینده جلوگیری کند»^۴ و در همین رهگذر وی به مخالفت جدی با نهاد عفو پرداخته و الغای آن را عاملی بس تأثیرگذار در رنج‌آور ساختن مجازات می‌داند، در همین راستا بنتام نیز با گسترش دیالکتیک «امنیت- حتمیت» پیشگیری از جرایم را در گروهی افزایش درجه حتمی بودن مجازات‌ها می‌داند.^۵ و به همین خاطر است که بکاریا به دنبال عدم اعتماد به قضات، اعتقاد به تعیین مجازات‌های ثابت و یکسان دارد چرا که وی نظام مجازات‌های ثابت را اکسیری بازدارنده می‌داند، یعنی بر این باور است که مجازات باید با جرم و نه با فرد تناسب داشته باشد که بعدها بنتام به مخالفت با مقوله‌ی ثبات مجازات‌ها پرداخته و رویه‌ی فردی

^۱ شیخ الاسلامی، عباس؛ "جایگاه یافته‌های جرم‌شناسی در تحولات نظام تقنینی کیفری ایران"، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، ص ۴۸۸

^۲ همان؛ صص ۴۹۳ و ۴۹۴

^۳ اردبیلی، محمد علی، پیشین، ص ۳۹

^۴ مونتسکیو، پیشین، ص ۲۹۶

^۵ پرادل، ژان، پیشین، ص ۶۲



ساختن کیفیها را در پیش گرفته است.^۱ چرا که در واقع مبتنی کردن یک نظام بر آزادی اراده، به معنای برابری درجه مسوولیت اخلاقی افراد با یکدیگر نیست.^۲

در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به نظر می‌رسد قانونگذار تلاش زیادی نموده است تا اصل فردی کردن مجازات‌ها را با دادن اختیارات افزون تر به قضات، پیش بینی مجازات‌های جایگزین حبس و مجازات‌های گسترده تکمیلی به طور وسیع-تری در سیاست کیفری خود مدنظر قرار دهد و بر این اساس دست قضات را تعیین کیفر بر اساس شخصیت مجرم و اوضاع و احوال جرم بازتر کند. در کنار آن قانونگذار در قانون جدید تسهیلات زیادی در اجرای مجازات‌ها قائل گردیده است. تعویق صدور حکم، پیش بینی توبه و قاعده درء و پیش بینی مرور زمان در واقع امتیازات جدیدی است که قانونگذار برای محکومین و مجرمین در تعیین و تحمل کیفر قائل گردیده است. این حجم از مقررات ارفاقی برای مجرم اصل حتمیت و قطعیت مجازات‌ها را با چالش اساسی مواجه می‌کند. به ویژه در مورد جرایم اقتصادی این نگرانی بیشتر است زیرا با مقوله فساد مرتبط است و اختیارات گسترده قضات در تعیین کیفر و اجرای مجازات می‌تواند به دامنه فساد بیافزاید و قطعیت اجرای مجازات را با تردید مواجه نماید. هر چند قانونگذار در قانون جدید مجرمین جرایم کلان یا متوسط اقتصادی را از برخی مقررات ارفاقی محروم نموده است (ماده ۴۶ و بند ب ماده ۱۰۹) اما باز هم راهکارهایی مانند نظام آزادی مشروط، نظام نیمه آزادی، عفو و توبه روزه‌های امید را برای اینگونه مجرمین باز گذاشته است که بتوانند، حتمیت و قطعیت اجرای مجازات را به نحوی دور زده و از معاذیر معاف کننده یا کاهنده مجازات برخوردار شوند.

۴-۱-۶- ایجاد آیین دادرسی ویژه، مراجع قضایی تخصصی

طبق نظریه‌ی بازدارندگی در صورتی که خواهان کاربرد کیفر به عنوان مانعی موثر در برابر آماج جرم باشیم، اعمال این نهاد کیفری باید با وقوع جرم چندان فاصله‌ای از نظر زمانی نداشته باشد، زیرا در غیر این صورت تصور لازم میان جرم و کیفر در اذهان به سستی گرائیده^۳ و پیوند و ارتباط میان آن دو قابل درک و لمس نخواهد بود، لذا اطلاع‌ی فرآیند دادرسی که موجبات وقفه میان جرم و مجازات را فراهم می‌آورد، نه تنها نقش اربعایی کیفیها را از میان می‌برد، بلکه خود، مشوق بزهکاری است.

بدین معنا که بازدارندگی در رویکردی هنجار محور خواستار تقویت ارزش‌هایی معین است و در همین راستا در یک بخش به مجازات متوسل شده و در بخش دیگر دست به دامان تهدید به مجازات متخلف است.^۴

لذا یکی از ابزارهای مورد نیاز برای اجرایی کردن اصل سرعت و حتمیت در واکنش به جرایم فساد آمیز و مفساد اقتصادی، وجود آیین دادرسی خاص و دادگاه‌های تخصصی است. هر چند امروزه در حقوق داخلی بحث مربوط به آیین دادرسی ویژه جرایم اقتصادی مطرح است و در بعضی حوزه‌های قضایی نیز مجتمع قضایی تحت عنوان «ویژه جرایم اقتصادی» و «دادگاه رسیدگی به مفساد اقتصادی» دادرسی ویژه از جمله «برای حفظ حقوق بیت المال» و «ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی» «دادسرای ویژه رسیدگی به جرایم پول شویی» و غیره تشکیل شده است. این امر در واقع امر از باب تقسیم وظایف است که هر چند در جلوگیری از اطاله دادرسی و تسریع در دادرسی بی تأثیر نیست اما به طور قانونی در حال حاضر آیین دادرسی ویژه فساد و مفساد اقتصادی که در آن وجود دادگاه‌های تخصصی نیز پیش بینی شده باشد، وجود ندارد. با توجه به حساسیتی که موضوع جرایم

^۱ همان، ص ۶۴

^۲ لازر، پیشین، ص ۴۷.

^۳ بکاربا، پیشین، ص ۱۷

^۴ فریدمن، لارنس، بازدارندگی، ترجمه روح الله طالبی آرنای و عسگر قهرمان پور، چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶، ص ۱۶.



اقتصادی از حیث ضربه به کیان اقتصادی و ضربه به اعتبار دولت و تخریب کارکردهای اداری و اقتصادی دارد وجود ساز و کار قانونی برای تسریع مطلوب و تخصص در رسیدگی دارای اهمیت است. زیرا اطلاع رسیدگی علاوه بر اینکه ممکن است ناشی از فساد باشد خود موجب و محملی برای فساد است (مانند ارتشا به منظور جلوگیری از اطلاع) لذا باید کوشید تا چنین جرایمی را در دادگاه‌های ویژه مورد رسیدگی قرار داد.

با این حال نباید در فقدان آیین دادرسی ویژه جرایم اقتصادی اغراق نمود. به ویژه با توجه به قانون ارتقاء سلامت نظام اداری که اخیراً اجرایی گردیده است و در آن دادگاه‌های تخصصی ویژه با آیین دادرسی ویژه تعیین گردیده است که به صورت هیئت سه نفره متشکل از قضات مجرب به رسیدگی و صدور حکم می‌پردازند و رأی آنها قطعی اعلام شده است. هر چند این دادگاه ویژه تنها به جرایم اقتصادی کارمندان دولت و مؤسسات عمومی رسیدگی می‌کند اما بسیاری از جرایم اقتصادی را پوشش می‌دهد و بعلاوه در این رابطه قانون اصلاح تبصره ۱ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و الحاق سه تبصره به آن نیز قابل توجه هستند که می‌توانند مکمل محسوب شوند.

در باب تسریع در رسیدگی تبصره ۴ ماده مذکور مرجع تجدیدنظر را مکلف کرده است حداکثر ظرف مدت شش ماه به پرونده های موضوع تبصره ۳ ماده ۱۸۸ رسیدگی و حکم صادر نماید. در غیر این صورت و با تأخیر بدون عذر موجه، قضات شعبه رسیدگی کننده به مجازات انتظای از درجه ۴ به بالاتر محکوم می‌گردند.

جرایم موضوع تبصره ۳ عبارتند از اختلاس، ارتشا، مداخله یا تبانی یا اخذ پورسانت در معاملات دولتی، اخلال در نظام اقتصادی کشور، سوء استفاده از اختیارات به منظور جلب منفعت برای خود یا دیگری، جرایم گمرکی، جرایم مالیاتی، قاچاق کالا و ارز و به طور کلی جرایم علیه حقوق مالی دولت. نکته قابل ذکر آنکه لازم بود تا قانونگذار به منظور تسریع در رسیدگی، این مطلب را در خصوص قضات سایر مراجع قضایی نظیر دادسرا و دادگاه بدوی نیز تصریح می‌کرد. چرا که معمولاً این مسأله از ناحیه ایشان چه بسا بیشتر مبتلابه باشد.

با وجود این قوانین الزام آور پراکنده که قوه قضائیه را ملزم مینمود به جرایم اقتصادی با نگاه ویژه ای رسیدگی نماید در قانون اخیر التصویب ارتقا سلامت نظام اداری به قوه قضائیه تکلیف شده است ظرف یکسال ضمن بازنگری قوانین جزائی مرتبط با جرایم موضوع این قانون و بررسی خلاء های موجود لایحه‌ای جامع با هدف پیشگیری مثر از وقوع جرم از طریق تناسب مجازات‌ها با جرایم تدوین نماید و در اختیار دولت قرار دهد تا دولت با رعایت ترتیبات قانونی اقدام لازم را به عمل آورد. (شق الف ماده ۱۱)

همچنین در شق ب ماده مزبور قوه قضائیه مکلف شده است ظرف یکسال لایحه جامعی مربوط به رسیدگی به جرایم مربوط به مفاسد اقتصادی و مالی مدیران و کارکنان دستگاه های دولتی و عمومی که به سبب شغل و یا وظیفه مرتکب می شوند شامل تشکیلات، صلاحیت ها، آیین دادرسی و سایر موضوعات مربوط تهیه تهیه کند و به دولت ارائه دهد تا اقدامات قانونی را معمول دارد.

همچنین مقرر گردیده است تا ایجاد چنین تشکیلاتی در هر حوزه قضائی با توجه به حجم جرایم اقتصادی و مالی موضوع این قانون شعبه یا شعبی در دادسراها و دادگاه‌ها با رعایت صلاحیت‌های قانونی برای رسیدگی به جرایم مذکور اختصاص دهد قضات این شعب باید دوره‌های آموزشی تخصصی را گذرانده باشند.

مجموع تکالیفی که مواد فوق‌الذکر برای قوه قضائیه مقرر شده است نشانگر اینست که قانونگذار در صدد ایجاد نظام جنایی جامع در خصوص مجرمین اقتصادی است که با فعالیت‌های دولت مرتبط هستند و به نوعی اعتماد عمومی را به فعالیت‌های دولت



خداوند می‌کنند. با وجود اینکه تکالیف مزبور در نهایت همه جرایم اقتصادی احصا شده در تبصره ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی جدید را پوشش نمی‌دهد اما بخش قابل توجهی از این جرایم را در بر می‌گیرد. همچنین وجود ضابطان آگاه، نفوذناپذیر و کارآموده نیز در رسیدگی به جرایم فساد دارای اهمیت است تا از سویی با اندک بهانه و با برداشت‌های نادرست، آبروی دیگران را دستخوش گزارش‌های نادرست قرار ندهد و از سوی دیگر تحت تأثیر نفوذهای ناروا قرار نگیرند.^۱ نکته قابل توجه آنکه در نظام حقوقی داخلی با توجه به نگاه امنیتی به جرایم اقتصادی در ماده ۱۲۴ برنامه چهارم توسعه از وزارت اطلاعات به عنوان ضابط در جرایم کلان اقتصادی نام برده است. قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد موصوب ۱۳۹۰ نیز به طور عام‌الشمولی در کشف و تعقیب مجرمین جرایمی که در آن قانون مشمول قرار گرفته‌اند وزارت اطلاعات را در پرونده‌های فساد مالی کلان به عنوان ضابط قرار داده است (تبصره ۱ ماده ۴ قانون مذکور) و تمامی دستگاه‌های دولتی و مؤسسات عمومی را مکلف کرده است تا در این زمینه با وزارت اطلاعات همکاری نمایند. ماده ۴ قانون مذکور یک وظیفه نظارتی و پیشگیرانه عمده را بر عهده وزارت اطلاعات نهاده است و آن اینکه موظف شده است نقاط آسیب‌پذیر فعالیت‌های کلان اقتصادی دولتی و عمومی را شناسایی نموده و پوشش اطلاعاتی دهد.

۴-۱-۷- حمایت از مخبرین، شهود و کارشناسان

جرایم اقتصادی به دلیل خاصیت پنهان کاری آن به سختی کشف می‌شود. به ویژه اگر در یک جریان فعالیت‌های دولت روی دهد و دو طرف رابطه فساد مجرم باشند تمایلی به افشای جرم خود نخواهند داشت. اعلام گزارش از سوی سایرین نیز معمولاً با خطراتی همراه است به خصوص وقتی فساد سیستماتیک در جریان باشد مخبر رابطه فساد ممکن است از سوی مافوق مورد تنبیه قرار گیرد یا از سوی همکاران مورد سرزنش و انتقام جوئی واقع شود و یا خود آنها متهم به فساد شوند. این مسائل مسلماً بر سر راه مبارزه با مفسدین اقتصادی در سازمان‌های دولتی است از سوی دیگر پس از کشف جرم نیز اثبات آن با دشواری همراه است و ممکن است شهود و کارشناسان از ترس انتقام جوئی یا سرزنش حاضر به ادای گواهی یا ارائه نظر کارشناسی نباشند.

این عوامل نیازمند حمایت قانونی از مخبرین، کارشناسان و گواهان را ضروری می‌کند. کنوانسیون سازمان ملل علیه فساد در ماده ۳۳ خود تحت عنوان «حمایت از افراد گزارش دهنده» بیان میدارد: «هر کشور عضو گنجاندن اقدامات مقتضی را به منظور تأمین حمایت از هر کسی که با حسن نیت و بنا به دلایل معقول هر واقعتی مربوط به جرایم احراز شده بر اساس این کنوانسیون را به مقامات صلاحیت دار گزارش دهد در برابر هر رفتار غیر قابل توجیه در نظام حقوق داخلی خود مورد بررسی قرار دهد.» ماده ۳۳ کنوانسیون نیز به حمایت از شهود، کارشناسان و قربانیان پرداخته است. در حقوق داخلی خلأ چنین مقرراتی احساس می‌گردد تا اینکه قانونگذار در قانون ارتقا سلامت نظام اداری و در ماده ۱۷ آن مقرر نموده است: «دولت مکلف است طبق مقررات این قانون نسبت به حمایت قانونی و تأمین امنیت و جبران خسارت اشخاصی که تحت عنوان مخبر یا گزارش دهنده، اطلاعات خود را برای پیشگیری، کشف یا اثبات جرم و همچنین شناسایی مرتکب، در اختیار مراجع ذی صلاح قرار می‌دهند و به این دلیل در معرض تهدید و اقدامات انتقام جویانه قرار می‌گیرند، اقدام نماید.»

و در ادامه در چهار شق اقدامات حمایتی را که دولت موظف به انجام دادن است بدین صورت برشمرده است:

^۱ دادخدایی، ۱۳۹۰، پیشین، ص ۲۸۰.



الف - عدم افشاء اطلاعات مربوط به هویت و مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت اشخاص مذکور، مگر در مواردی که قاضی رسیدگی کننده به لحاظ ضرورت شرعی یا محاکمه عادلانه و تأمین حق دفاع متهم افشاء هویت آنان را لازم بداند. چگونگی عدم افشاء هویت اشخاص یاد شده و همچنین دسترسی اشخاص ذی نفع، در آیین نامه اجرائی این قانون مشخص می‌شود.

ب - فراهم آوردن موجبات انتقال افراد مذکور با درخواست آنان به محل مناسب دیگر در صورتی که در دستگاههای اجرائی موضوع بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۲) این قانون شاغل باشند، دستگاه مربوط موظف به انجام این امر است و این انتقال نباید به هیچ وجه موجب تقلیل حقوق، مزایا، گروه شغلی و حقوق مکتسبه مستخدم گردد.

ج - جبران صدمات و خسارات جسمی یا مالی در مواردی که امکان جبران فوری آن از ناحیه واردکننده صدمه یا خسارت ممکن نباشد. در این صورت دولت جانشین زیان دیده محسوب می‌شود و می‌تواند خسارت پرداخت شده را مطالبه نماید.

د - هرگونه رفتار تبعیض آمیز از جمله اخراج، بازخرید کردن، بازنشسته نمودن پیش از موعد، تغییر وضعیت، جابه جایی، ارزشیابی غیرمنصفانه، لغو قرارداد، قطع یا کاهش حقوق و مزایای مخبر، گزارش دهنده و منبعی که اطلاعات صحیحی را به مقامات ذی صلاح قانونی منعکس می‌نمایند ممنوع است.

تبصره - اشخاص فوق در صورتی مشمول مقررات این قانون می‌شوند که اطلاعات آنها صحیح و اقدامات آنان مورد تأیید مراجع ذی صلاح باشد.

نحوه اقدامات حمایتی، نوع آن و میزان جبران خسارت آنان، طبق مقرراتی است که توسط وزارت اطلاعات و با همکاری وزارت دادگستری و معاونت های برنامه ریزی و نظارت راهبردی و توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور تهیه می‌شود و اقدامات قانونی لازم برای تصویب در مجلس شورای اسلامی به عمل می‌آید. «

بدین ترتیب قانونگذار ایران الزاماتی را کنوانسیون مریدا برای دولت مقرر نموده بود عملی نموده و با این حمایت های قانونی تلاش نموده است از گزارش دهندگان و مخبرین حمایت نماید و خسارات احتمالی آنان در برابر اقدامات تلافی جویانه تأمین نماید.

۴-۲- در محتوای قوانین غیر کیفری

ضعف قانونی از جهات غیر کیفری نیز بر روند فساد تأثیر می‌گذارد. مبارزه علیه فساد اقتصادی تنها مربوط به وظایف دستگاه عدالت کیفری نیست بلکه تمام قوانین را در زمینه های مختلف - به خصوص اجرایی و در مسئولیت تمام دستگاه ها و نهادهای کشور با هدف برخورد با پدیده های فساد و حتی جلوگیری از بروز فرصت های فساد آمیز شامل می‌شود.

قوانین غیر کیفری نیز باید کارآمد باشند زیرا ناکارآمدی قانون خود محمل و بستری برای فساد است. برخی در یک نگاه بدبینانه گفته‌اند مقررات دست و پاگیر با محتوای گیج کننده در بخش های اداری عمدهً توسط دیوانسالاران ایجاد شده اند تا تمایل مراجعه کنندگان به پرداخت رشوه را افزایش دهند^۱.

در هر صورت محتوای قانونگذاری در زمینه جرایم اقتصادی باید حاوی راهکارهایی باشد که زمینه ارتکاب جرم را کاهش دهد. از آنجا که اغلب جرایم اقتصادی در بستر فعالیت‌های مالی کارکنان دولت روی می‌دهد قوانین باید تعارض منافع شخصی فرد را با منافع دولت رفع نماید، نظارت بر عملکرد دولت را نظام مند کند و سطح فعالیت دولت در اقتصاد کاهش دهد.

^۱ ربیعی، علی. زنده باد فساد، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۱۳۸۳، ص ۶۶



۴-۲-۱- رفع تعارض منافع

تعارض منافع یکی از زمینه‌های بروز فساد تلقی می‌شود و در صورت عدم توجه و فقدان ضمانت اجرایی مناسب می‌تواند منجر به ارتکاب فساد شود. چرا که هنگامی که منافع شخصی فرد در تعارض با منافع شغلی و اداری قرار گیرد، وی (مأمور دولت) ممکن است به حفظ منافع شخصی و ترجیح آن بر منافع دولت متمایل شود. بدون تردید این روند، یعنی ارتکاب فساد مستقیماً ثبات جامعه را متزلزل کرده، موجب بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی دولت شده در موارد شدید منتهی به عدم رضایت از دولت به دلیل سکوت در برابر چنین فعالیت‌هایی می‌شود.^۱

در حقوق جزایی ایران یکی از قوانینی که در جهت جلوگیری از تضاد منافع وضع شده لایحه قانونی راجع به مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۱۳۳۷ است که طبق آن برخی مقامات کشوری و لشکری و کارمندان دستگاه‌های دولتی و وابسته به آن، شهرداری‌ها، اشخاصی که به نحوی از خزانه دولت حقوق یا حق الزحمه مستمر دریافت می‌کنند و برخی شرکت‌ها (با شرایط مقرر شده) حق شرکت در معاملات یا داوری در دعاوی با دولت یا مجلس یا شهرداری یا دستگاه‌های وابسته و مؤسسات مقرر در قانون را ندارند و علاوه بر آن پدر، مادر، برادر، خواهر زن، اولاد بلافصل و عروس و داماد اشخاص فوق‌الذکر نیز از این حق محرومند.

این قانون صرفاً به ممنوعیت انجام معاملات و داوری در دعاوی با دولت می‌پردازد و لذا تصویب قانونی که صراحتاً موارد و اشکال تعارض منافع را اعلام و ساز و کارهای اجرایی جهت پیشگیری از فساد از طریق تعارض منافع را مشخص نماید، ضروری به نظر می‌رسد. البته در سال‌های اخیر برخی مقررات به طور موردی به این موضوع پرداخته‌اند که برای مثال می‌توان به نظام نامه اخلاق و رفتار کارکنان گمرک اشاره کرد که در آن اشتغال کارکنان گمرک به تجارت یا حق العمل کاری و هر نوع حرفه دیگر که با انجام وظیفه آنها در گمرک ارتباط داشته باشد ممنوع اعلام شده است (بند ۱ ماده ۵).

کنوانسیون مریدا نیز در ماده ۱۲ وضع مقررات و آیین نامه‌های رفتاری را جهت جلوگیری از تضاد منافع برای نیل به مبارزه با فساد مالی ضروری دانسته است. همچنین این کنوانسیون، کشورها را به تصویب و تقویت ساز و کارهایی جهت هر چه شفافتر شدن و جلوگیری از تضاد منافع ترغیب می‌نماید. (بند ۴ ماده ۷) قانونگذار ایران علاوه بر اینکه کنوانسیون مزبور را به تصویب رسانده است. در راستای ایجاد الزام قانونی برای بندهای این کنوانسیون در قانون ارتقاء سلامت اداری و مبارزه با فساد مصوب ۱۳۹۰ تدابیری را در این خصوص برقرار نموده است.

به علاوه بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون مقرر می‌دارد که دولت‌های عضو باید تدابیری را برقرار نمایند تا مقامات دولتی را ملزم به اعلام سرمایه‌گذاری‌ها، فعالیت‌های متفرقه، دارایی‌هایی که می‌تواند با ایفای سمت دولتی ایشان اصطکاک منافع داشته باشد بنمایند. در همین راستا شق «ب» ماده ۳ قانون ارتقا سلامت نظام اداری دستگاه‌های مشمول را موظف نموده است کلیه اطلاعات مربوط به قراردادها و مناقصات متوسط و بزرگ موضوع قانون برگزاری مناقصات را در سامانه الکترونیکی درج و در اطلاع عموم قرار دهد و تأخیر در ورود آنها را مستوجب مجازات کیفری انفصال موقت از خدمات دولتی دانسته است.

نیز بند ۵ ماده ۲ ضمیمه مصوبه ۵۱/۵۹ مجمع عمومی ملل متحد راجع به کد رفتاری مقرر نکرده که کارگزاران دولتی باید منافع تجاری، کاری و مالی که ممکن است با منفعت عمومی تعارض داشته باشد را اعلام نمایند.

^۱ شمس ناتری و توران توسلی زاده، پیشین، ص ۲۰۱.



۴-۲-۲- ایجاد سیستم جامع نظارتی و کنترلی

نظر به اینکه حجم قابل توجهی از عواید حاصل از جرایم اقتصادی، به ویژه فساد و پولشویی از طریق سیستم‌های پولی و بانکی به جریان افتاده و وارد ساختار اقتصادی کشور می‌شود، لذا توجه به عملکرد این گونه مؤسسات با ایجاد سیستم جامع نظارتی و کنترلی برای آنها، و اجرای دقیق این سیستم، می‌تواند عامل پیشگیرانه مهمی محسوب شود. با نظارت همواره خطر برملا شدن تخلف وجود دارد. به طور کلی ممکن است این نتیجه بدست آید که بین اثرات پیشگیرانه و خطر کشف همبستگی وجود دارد. علاوه بر مقررات داخلی، اسناد مهم سازمان ملل به موارد کنترلی مانند تعیین هویت مشتری، حفظ و نگهداری اسناد، مدارک و گزارش موارد مشکوک، تأکید ورزیده‌اند.

۴-۲-۳- کاهش نقش دولت در حوزه تصدی گری

مداخله دولت در عرصه اقتصاد بیش از حد وظایفی که کلاسیک‌ها برای آن شده اند (تنظیم قوانین و مقررات، تأمین نظم و امنیت، حفاظت از اجرای قراردادها و ...) موجب رشد بروکراسی و بروز پدیده‌هایی مانند رشوه، رانت جویی خواهد شد که هزینه‌های اجتماعی مربوط به آنها، کل جامعه را در وضعیت بدتری قرار می‌دهند. واقعیت این است که از نظر تاریخی مکانیزم بازار بدون وجود یک دولت قوی و نظارت کننده قادر به ادامه حیات نیست. حتی در کشور پیشرفته سرمایه داری مانند آمریکا نیز برخلاف تبلیغات گسترده، نظارت شدیدی بر عملکرد بازار وجود دارد.

ایجاد فضای رقابتی در اقتصاد یکی از روشهای مؤثر پیشگیری از جرایم اقتصادی می‌باشد. این موضوع تا آن جا اهمیت دارد که در حال حاضر «بیش از یکصد کشور جان قانون رقابت دارند و سازمان ملل متحد نیز در سال ۱۹۸۰ مجموعه اصول و قواعدی در زمینه رقابت منتشر و در سال ۲۰۰۰ آن را مورد بازنگری قرار داده است. ایجاد چنین فضای رقابتی و کاهش نقش دولت در امور اقتصادی است:

خصوصی سازی فرایندی اجرایی، مالی و حقوقی است که دولت‌ها برای انجام اصلاحات در اقتصاد و نظام اداری به اجرا در می‌آورند، واژه خصوصی سازی «حاکمی از تغییر در تعادل بین حکومت و بازار و به نفع بازار است. بنابراین خصوصی سازی در ظاهر عبارت است از فرایند انتقال وظایف و تأسیسات یک واحد دولتی به یک واحد خصوصی و یا فروش بیش از ۵۰ درصد سهام یک مؤسسه دولتی به بخش خصوصی و در تعریف عمومی تر عبارت است از انتقال و تفویض وظایف دولتی به نیروهای بازار. به تعبیر جدید مؤسسات بین المللی نیز خصوصی سازی عبارت است از مسئول کردن مردم در فعالیت های اقتصادی.^۱

خصوصی سازی را به واقع می‌توان یک برنامه اصلاحی مقابله با فساد قلمداد کرد.^۲ چرا که می‌تواند با خارج کردن داریی های خاصی از کنترل دولت و تبدیل اقدامات صلاح‌دیدی مقامات به انتخاب های مبتنی بر محرکه های بازار توسط بخش خصوصی از فساد بکاهد. تجربه نشان داده است که هر چه دولتها بزرگتر و با اختیارات گسترده تر باشند، زمینه های فساد در آنها بیشتر خواهد بود.

معایب و نواقص ناشی از ماهیت و ساختار اقتصاد متمرکز که خود عامل مهم جرم زایی است، پیرو این است که دولت به عنوان شخصیت حقوقی، تصدی و مدیریت منابع و فرصت های اقتصادی و نیز مسئولیت تخصیص آنها را به عهده دارد.

^۱ اردشیری، منصور، خصوصی سازی در آموزش عالی، نشریه مجلس و پژوهش، ۱۳۸۶، ص ۳۵۲

^۲ ربیعی، علی، همان، ص ۴۲



بنابراین دولت مردان بخش عمده ای از این منابع و فرصت ها را به خود یا دوستان یا بستگان اختصاص می دهند و پایه های فساد اقتصادی در تخصیص بهینه و مطلوب منابع نیز از این نقطه آغاز می شود و به دلیل فوق تصدی های دولتی معمولاً یا رانت خواری یا ایجاد شبهه رانت همراه بوده است. از سوی دیگر دولت از وظیفه ماهیتی و اصلی خویش که همان اعمال حاکمیتی قوی، مستمر و همه جانبه و نیز سیاست گذاری و هدایت اقتصاد ملی در سطح بین المللی است، دور می ماند و این امر خود موجب بروز مفسده های اقتصادی و ... است. بر مشکلات فوق، عدم سرمایه گذاری کلان و عدم توانایی ایجاد بستر لازم جهت جلب سرمایه گذاران داخلی و خارجی را نیز باید افزود که خود موجب کاهش تولید درآمد ملی و ایجاد فرصت برای عده ای کمی که با قدرت پیوند نزدیک تر دارند، می شود.

قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ در ماده ۱۵ به اجرای سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی و صوصی سازی و راهکارهای آن و رعایت برنامه هایی جهت جلوگیری از انحصار و سوء استفاده های مالی پرداخته است. این ماده مقرر می دارد: «امور تصدی های اقتصادی با رعایت اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سیاست های ابلاغی مقام معظم رهبری به بخش غیردولتی واگذار می گردد. دولت مکلف است با رعایت قوانین و مقررات مربوط از ایجاد انحصار، تضییع حقوق تولیدکنندگان و مصرف کنندگان جلوگیری و فضای رقابت سالم و رشد و توسعه و امنیت سرمایه گذاری و برقراری عدالت و تامین اجتماعی و باز توزیع درآمد و فراهم کردن زمینه ها و مزیت لازم و رفع بیکاری را فراهم نماید.» غالب نویسندگان و محققان بر این باورند که خصوصی سازی و مقررات زدایی دو روش اصلی هم برای پیش گیری و هم مبارزه با فساد است. به نظر می رسد هر یک از آنها می تواند در نتیجه دیگری حاصل شود.

نظر به اینکه حجم قابل توجهی از عواید حاصل از جرایم اقتصادی، به ویژه فساد و پولشویی از طریق سیستم های پولی و بانکی به جریان افتاده و وارد ساختار اقتصادی کشور می شود، لذا توجه به عملکرد این گونه موسسات با ایجاد سیستم جامع نظارتی و کنترلی برای آنها، و اجرای دقیق این سیستم، می تواند عامل پیش گیرانه مهمی محسوب شود. با نظارت همواره خطر بر ملا شدن تخلف وجود دارد. به طور کلی ممکن است این نتیجه بدست آید که بین اثرات پیش گیرانه و خطر کشف همبستگی وجود دارد.^۱

۵- نتیجه گیری

این تحقیق قصد داشت سیاست کیفری قانونگذار ایران را در مقابله با مفاسد اداری و اقتصادی بررسی نماید و در این زمینه تأکید بیشتری بر مقررات اخیرالتصویب کیفری به ویژه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ داشته باشد. نتایج تحقیق حاکی از اینست که:

۱- آن دسته از جرایم مالی که در ادبیات حقوقی مسئولان کشوری با عنوان فساد اقتصادی یا فساد اداری کاربرد فراوانی یافته است و موضوع تحقیق حاضر قرار گرفته است، تحت دسته بندی کلی «جرایم اقتصادی» در قانون مجازات اسلامی جدید وارد شده و در مواردی احکامی خاص بر آنها بار شده است. اما قانونگذار در این قانون سنگ بنای اول در مبارزه با جرایم اقتصادی را بر ابهام بنا نهاده است. دلیل این ابهام اینست که جرایم اقتصادی احصا نشده اند و در عین حال در ماده ۴۷ قانون مجازات جدید، قانونگذار بدون اینکه، جرایم مشمول این دسته بندی را در جایی صراحتاً احصا نموده باشد یا معیاری برای شناخت آن بدست داده باشد از اصطلاح «جرایم اقتصادی» استفاده کرده و حکم مهمی بر آن بار کرده است: «جرایم اقتصادی با موضوع جرم ...» قابل تعویق و تعلیق نیست. واقعیت اینست که نحوه کاربرد اصطلاح «جرایم اقتصادی» مبهم بوده و جای تفسیر را باز می

^۱ شمس ناتری و توران توسلی زاده، پیشین، ص ۲۰۳



گشاید. دکتربن حقوقی نیز در این زمینه تعریفی واحدی بدست نمی دهد و این موضوع در ادبیات حقوقی به شدت محل اختلاف است. پس قانون در این زمینه مبهم است و قانون مبهم نیز فساد زا است. تفسیر نگارنده اینست که قانونگذار در تبصره ماده ۳۵ و همچنین بند ت ماده ۱۰۹ قانون جدید مجازات اسلامی این جرایم را احصا نموده است که شامل جرایم سیزدگانه مندرج در تبصره مذکور است بعلاوه قانونگذار جرم کلاهبرداری را نیز در ماده ۱۰۹ به این فهرست اضافه کرده است. لذا مصادیق جرایم اقتصادی به همان چهارده مورد منحصر است. وقتی قانونگذار در بند ج ماده ۴۷ از اصطلاح جرایم اقتصادی به صورت مطلق استفاده کرده است، به زعم خود در جایی جرایم مشمول این دسته‌بندی را تعیین کرده است. با این تفسیر مضیق، مجرمین جرایم مهمی همچون تحصیل مال از طریق نامشروع، جعل، استفاده از سند مجعول و سرقت با هر میزان از موضوع جرم مشمول محرومیت از تعویق صدور حکم و تعلیق مجازات نیستند مگر اینکه به لحاظ درجه‌بندی مجازات‌ها از این حق محروم شوند.

۲- با در نظر گرفتن مفاد سه ماده ۳۵، ۴۷ و ۱۰۹ قانون جدید می توان گفت، قانونگذار، جرایم اقتصادی را به لحاظ میزان ریالی موضوع جرم در آنها به جرایم خرد، متوسط و کلان دسته بندی کرده است. جرایم خرد اقتصادی آنهایی هستند که موضوع جرم در آنها کمتر از یکصد میلیون ریال باشد. جرایم متوسط اقتصادی جرایمی هستند که موضوع جرم در آنها بین یکصد میلیون تا یک میلیارد ریال باشد و در نهایت جرایم کلان به جرایم اقتصادی با موضوع جرم بیش از یک میلیارد ریال اطلاق شده است. این دسته بندی تا حدودی به ما کمک می کند در سایر مقررات پراکنده جزائی در خصوص جرم انگاری جرایم اقتصادی نیز آن را به کار ببریم. مثلاً در قانون مجازات اخلاگران نظام اقتصادی کشور، قانون مجازات محتکرین و .. که قانون گذار در آنها بدون دست دادن معیار یا تعریفی از اصطلاح «عمده»، «کلان» و غیره استفاده کرده است و بر مرتکبین چنین جرایمی احکام خاص بار کرده است استفاده شود. در این صورت ملاک عمده و کلان بودن جرم اینست که موضوع جرم آن بیش از یک میلیارد ریال باشد. یک اشکال عمده این تفسیر البته اینست که اگر به ضرر متهم باشد، تفسیری موسع است و قابل پذیرش نخواهد بود.

۳- قانونگذار در قانون جدید مجازات اسلامی تلاش کرده است تا قطعیت و حتمیت اجرای مجازات را در مورد مجرمین اقتصادی متوسط و کلان به عنوان یک عامل و راهکار بازدارنده تضمین نماید، لذا در خصوص استفاده مجرمین اقتصادی از برخی راهکار های ساقط کننده، یا کاهنده مجازات سخت گیری اعمال نموده است. مثلاً در ماده ۴۷، مجرمین متوسط و کلان اقتصادی را در هر صورت از دو تأسیس معاف کننده مجازات شامل تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات محروم کرده است. همچنین قانون گذار در خصوص مجرمین اقتصادی کلان یک مجازات تعزیری تبعی را به میزان مجازات‌های آنان افزوده است. این مجرمین باید از طریق انتشار حکم محکومیتشان در جرایم و رسانه‌های ملی و محلی، تشهیر شوند. همچنین برابر بند ت ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی جدید، امتیاز شمول مرور زمان تعقیب و اجرای کیفر شامل مجرمین کلان اقتصادی نمی‌شود. بدین ترتیب سیاست کیفری قانونگذار در مقابله با جرایم اقتصادی به صورت سختگیرانه بروز و ظهور می‌یابد. اما باید توجه داشت این سیاست سخت گیرانه در خصوص حتمیت و قطعیت اجرای مجازات مجرمین اقتصادی به طور منسجم و پیوسته دنبال نشده است. هنوز راهکارهای معاف کننده با کاهنده برای آن وجود دارد، تأسیسات جدید ساقط کننده یا کاهنده مجازات مانند، آزادی مشروط، عفو و پذیرش توبه، همچنان راه های گریز از تمام یا بخشی از مجازات را باز گذارده است. در خصوص آزادی مشروط هیچ قیدی جرایم اقتصادی را از شمول آن استثناء نکرده است. همچنین مجرمین جرایم اقتصادی که به جهت کلان بودن و با حصول سایر شرایط به افساد فی الارض تعبیر می یابند و بدین ترتیب مجازات حدی قتل برای آنها در نظر گرفته شده است، می‌توانند با

استفاده از راهکار توبه که قانونگذار در ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است، توبه کرده و عفو خود را از رهبری بخواهند، همچنین در مورد مجرمین اقتصادی متوسط و کلان که به تعزیر محکوم شده‌اند نیز توبه می‌تواند به عنوان یک راهکار تخفیف دهنده مجازات استفاده شود. برخی مجرمین خرد اقتصادی که به مجازات های درجه هفت و هشت محکوم شده اند، می‌توانند با استفاده از راهکار توبه ، از مجازات رهایی یابند.



منابع

کتاب:

- پرادل، ژ. تاریخ اندیشه های کیفری، مترجم، علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، ۱۳۸۱
- پیمانی، ض؛ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۰.
- توسلی زاده، ت، پیشگیری از جرایم اقتصادی، تهران: جنگل، ۱۳۹۱.
- جعفری لنگرودی، م؛ ترمینولوژی حقوق، چاپ سیزدهم، کتابخانه گنج دانش، تهران ۱۳۸۲.
- ربیعی، ع. زنده باد فساد، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۱۳۸۳.
- شیخ الاسلامی، ع؛ "جایگاه یافته های جرم شناسی در تحولات نظام تقنینی کیفری ایران"، مجموعه علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ اول؛ انتشارات سمت، تهران ۱۳۸۳.
- علیمیری، م. بازرسی در آیین قانون، مجموعه مقالات نخستین همایش نظارت و بازرسی کل کشور، تهران: نشر سازمان بازرسی کل کشور، ۱۳۷۶.
- فریدمن، ل، بازدارندگی، ترجمه روح الله طالبی آرانی و عسگر قهرمان پور، چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶.
- گسن، ر. مقدمه ای بر جرم شناسی، ترجمه دکتر مهدی کی نیا، چاپ اول، تهران: انتشارات مترجم، ۱۳۸۳.
- لازرژی، ک. سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران: انتشارات یلدا، ۱۳۷۵.
- میر محمد صادقی، ح؛ حقوق جزای بین الملل (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران: نشر میزان، ۱۳۷۷.
- میر محمد صادقی، ح؛ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ دوم، نشر میزان، تهران ۱۳۸۱
- ولیدی، م؛ حقوق جزای اختصاصی، ج ۲، چاپ سوم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۲

مقاله:

- اردبیلی، م، "فلسفه تعویق صدور حکم"، روزنامه حمایت، شماره ۲۵۳۱، تاریخ ۱۳۹۱/۳/۱۷
- اردشیری، من. "خصوصی سازی در آموزش عالی"، نشریه مجلس و راهبرد، شماره ۵۵، تابستان ۱۳۸۶.
- اقتراح قضایی از جرایم اقتصادی، نشریه عصر ما، ۱۳۸۰/۱۰/۲۷.
- حبیب زاده، م؛ آسیب شناسی نظام عدالت کیفری ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، تابستان ۱۳۸۳ ص ۱۴۵
- حبیب زاده، م؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین و کیومرث کلانتری، "تورم کیفری، عوامل و پیامدها"، نشریه مدرس، دوره ۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۰
- دادخدایی، ل، "مفهوم جرم اقتصادی و تحولات آن"، نشریه تعالی حقوق، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۸۹.
- محمودی جانکی، ف. امنیت و نامنی از دیدگاه سیاست جنایی، نشریه دیدگاه های حقوقی، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۳
- شمس ناتری، م و توسلی زاده ت، "پیشگیری وضعی از جرایم اقتصادی"، فصلنامه حقوقی مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰
- سلیمی، ص، "مجرمین یقه سفید و سیاست کیفری ایران"، فصلنامه حقوق - مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷.